



دفاع مقدس

علت‌کاری آغاز جنگ تحمیلی ۸ساله علیه ملت ایران

محمد درودیان، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس
در گفت‌وگو با صبح صادق

تحمیل جنگ

انتقام آمریکا از مردم ایران بود

پرسش از جنگ

لیبرال‌ها و جنگ

خیانت و جنگ

صفحات ۶ و ۷

امام خامنه‌ای حسین زمان است

همین صفحه

تحلیلی بر سفر سید مقتدی به ایران و تقویت خط مقاومت

اقتدای صدر به مقتدی

یادداشت

تکریم یک اقدام!

علی حیدری
سر دبیر



حدود یک ماه پیش، در ادامه فضا سازی‌های تکراری و دروغین رسانه‌های معاند و پوشش شبکه‌های اجتماعی دنباله رو خط اختلاف‌افکنی در میان مسئولان و کارگزاران نظام، به بهانه دستگیری یکی از مدیران اجرایی حوزه ریاست قوه قضائیه، تمرکز ویژه‌ای بر آیت‌الله آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گرفت. هدف این خبرسازی‌ها، القای مخالفت وی با رسیدگی به تخلفات فرد متهم بود و حتی ادعا شد رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب برای مهاجرت به نجف استعجازه کرده است. حواشی ساختگی بلندگوهای تبلیغاتی دشمن، منجر به اظهار نظر آیت‌الله یزدی در جمعی محدود شد که انتشار خبر این دیدار و پاسخ آیت‌الله آملی به وی به رنجش و نگرانی دلسوزان انقلاب و نظام اسلامی انجامید. آنها وقوع این اتفاق را به ویژه در میان دو شخصیت روحانی باسابقه و دارای مسئولیت عالی در نظام جمهوری اسلامی پذیرفته نمی‌دانستند؛ موضوعی که شاید تا حدودی به امر رایج و پذیرفته شده در میان سیاسیون و چهره‌های منتسب به جناح‌ها و جریان‌های سیاسی تبدیل شده باشد.

دو هفته پس از این ماجرا، آیت‌الله آملی لاریجانی در پاسخ به نامه جمعی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر حفظ وحدت و همدلی و حرکت در مسیر هدایت‌های رهبر معظم انقلاب تأکید کرد و نوشت: «از همه دلسوزانی که نامه این جانب موجب کدورت خاطرشان شده است عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم همه با اجتناب از حواشی و عوارض، در صف واحد برای رفع مشکلات مردم که حقیقتاً امروز کمرشکن است تلاش کنیم.»

درباره این موضوع و حواشی رسانه‌ای فراوانی که برای آن ساخته و پرداخته شد، توجه به دو نکته خالی از لطف نیست: اولی هوشیاری در برابر جنگ رسانه‌ای دشمن را می‌طلبد و دومی می‌تواند الگویی برای حرکت در مسیر سیاست‌ورزی باشد.

۱- همان رسانه‌های بیگانه که یک ماه پیش با دروغ‌پردازی‌های متعدد به بروز اختلاف میان مسئولان امیدوار شده بودند و روزانه ده‌ها گزارش و تحلیل درباره آن منتشر می‌کردند، این بار با سانسور هدفمند از انتشار واقعیت خودداری کردند و مانند همیشه استانداردهای دوگانه خود را در پوشش رسانه‌ای به کار گرفتند. این رسانه‌ها مدام آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات را تکرار می‌کنند؛ اما واقعیت این است که در عمل از آن در حد یک شعار استفاده کرده و قوانین و مقررات مربوط به اصول و قواعد رسانه را هم تنها در مواردی که به نفع کمپانی‌ها و دولت‌های متبوع‌شان باشد اجرا می‌کنند.

۲- محتوای این نامه نشان داد بازی‌های سیاسی رایج در میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در دنیا که رشحاتی از آن در بگومگوها و دعوایهای سیاسی داخل کشور در مقاطع مختلف قابل مشاهده است، در ادبیات شخصیت‌هایی که اگرچه مناصب سیاسی و حکومتی دارند، اما خاستگاه اصلی‌شان علوم دینی و مکتب فقه جعفری است، متفاوت بوده و همواره جوهره اخلاق و تأثیر معنویت در آن دیده می‌شود. اذعان شجاعانه به اشتباه بودن مباحثات و مجادلاتی که سبب خدشه‌دار شدن اذهان شده و تأکید بر حرکت در مسیر آرمان‌های انقلاب و هدایت‌های امام جامعه، حکم آب سردی را دارد که بر شعله‌های آتش بدخواهان و کینه‌توزان برای اختلاف‌افکنی و تشویش افکار رزانه می‌کشد، ریخته می‌شود و آن را به خاکستر تبدیل می‌کند و آمل و آمل و آرزوهای دشمنان را که می‌خواستند از این نمک کلاهی بیافند نقش بر آب می‌کند.

این سبک و شیوه باید سرلوحه دولتمردان به معنای عام آن و فعالان عرصه سیاسی در سطوح گوناگون قرار گیرد تا اخلاق، که پایه اصلی دین اسلام و مقصد نهایی آن است، در همه جوانب کشورداری بیشتر ظهور کند.

قبل از هر چیز باید یادآوری کرد که اگر چه ظاهر این قضیه میانجیگری فرانسه میان ایران و آمریکا است و این‌گونه عنوان می‌شود که ایجاد خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری در قالب اینستکس، طرحی از سوی الیزه است؛ اما شواهد نشان می‌دهد واقعیت ماجرا و پشت صحنه این پیشنهاد، خود کاخ سفید است. ترامپ یک بازی سیاسی و روانی را آغاز کرده است تا بتواند از بن‌بست خودساخته‌ای که با خروج آمریکا از برجام ایجاد شد، خارج شود. نقش میانجی و دلال در این پیشنهاد به امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه سپرده شده است؛ اما چرا صحنه بازی این‌گونه طراحی شده و آمریکایی‌ها این نقش را طراحی کرده‌اند و به فرانسه سپرده‌اند؟ ترامپ با این سناریو قصد دارد خود را بی‌میل به این معامله نشان دهد که پس از هفته‌ها کش و قوس و اصرار برخی مشاوران داخلی و بازیگران خارجی، حاضر به بررسی آن شده است. در چنین شرایطی، این پیشنهاد می‌تواند فرصت و امتیازی بزرگ برای ایران تلقی شود که نباید آن را از دست داد.

واقعیت این است که ترامپ به شدت نیازمند مانوری دیپلماتیک در رابطه با ایران است؛ اما با روحیه دلالی خود، سعی دارد ماجرا را وارونه جلوه دهد و تهران را نیازمند مذاکره معرفی کند. مسئله‌ای که از دید تحلیلگران آمریکایی نیز پنهان نمانده و «گری سبک» تحلیلگر امور ایران در دانشگاه کلمبیا و عضو شورای امنیت ملی آمریکا در طول دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، در این مورد می‌گوید: «ترامپ واقعاً پیش از انتخابات به چیزی ادر سیاست خارجی‌ا نیاز دارد و ایران این را می‌داند؛ بنابراین در عمل ایران دارد از موضع قدرت گفت‌وگو می‌کند.» پایگاه «دیلی بیست» هم نوشته است، وی تنها به دنبال یک عکس تاریخی است تا خود را در قامت یک «معامله‌کننده بزرگ» به تصویر بکشد.

با توجه به این نکات می‌توان گفت اخبار و مواضع ضد و نقیض آمریکایی‌ها درباره مذاکره با ایران، یک بازی تبلیغاتی و به نوعی عملیات روانی است که انداختن توپ در زمین ایران، دوقطبی کردن جامعه ایرانی و تأثیر بر محاسبات مسئولان کشور را می‌توان اهداف اصلی آن دانست. خام‌ترین سیاستمداران نیز به چنین سیگنال‌های فریبکارانه‌ای دل نمی‌نهند. وعده ۱۵ میلیارد دلاری غرب، طعمه سر قالب و ابزار شکار ایران است. تجربه تلخ برجام و وعده‌های چند صد میلیارد دلاری آن که به «تقریباً هیچ» ختم شد، مانع از افتادن در چنین دام‌هایی می‌شود.

تحلیلی بر سفر سید مقتدی به ایران و تقویت خط مقاومت

اقتدای صدر به مقتدی

سیدمحمدباقر صدر(از مراجع پیشین تقلید شیعیان عراق) نیز به دلیل مبارزه با صدام شکنجه شد و به شهادت رسید.

سیدموسی صدر، رهبر سابق شیعیان لبنان، که بحث‌هایی درباره ناپدید شدنش به دست قذافی لیبی وجود دارد پسر عموی پدر مقتدی است. همسر مقتدی صدر نیز دختر سیدمحمدباقر صدر است و فرزندی ندارد.

پس از حادثه ترور پدرش در سال ۱۹۹۸ به دست صدام، مقتدای جوان مخفی شد و به زندگی پنهانی و زیرزمینی روی آورد. وی که فردی توانمند بود و پیش از آنکه پدرش در ترور کشته شود مسئولیت‌های حوزوی و فرهنگی تشکیلات گسترده پدرش را بر عهده داشت، فعالیت خود را صرف بازیابی روابط با بخشی از طرفداران پدرش کرد که همچنان پیرو وی باقی‌مانده بودند. در این میان، هسته‌ای تشکیل شد که ابتدا با عنوان «جماعت صدر ثانی» به طرفداری از مقتدی صدر فعالیت می‌کردند. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، مقتدی صدر اگر چه جوانی ۳۰ ساله بود؛ اما اعتقادات سیاسی و مذهبی شیعی و سخنرانی‌های آتشین و شخصیت شجاع مبارز جذاب او همگی علیه اشغالگران و برای برپایی «حکومت اسلامی» در عراق بود که توانست میلیون‌ها نفر را به ویژه «شهرک صدر» در حومه بغداد را به سوی خود جذب کند. سپس با تدوین مرامنامه‌ای که در آن به لزوم تشکیل حکومتی براساس احکام اسلامی و اقامه حدود شرعی برای آینده عراق تأکید شد، با داعیه رهبری عراق وارد صحنه سیاسی و اجتماعی این کشور شد. ادامه در صفحه ۱۲

نگاه

ترامپ به دنبال شکار

محمد صر فی
روزنامه نگار



برخی منابع خبری مدعی شده‌اند، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به طرح فرانسه برای حفظ برجام چراغ سبز نشان داده است. نشریه آمریکایی «دیلی بیست» در این زمینه نوشته است، چهار منبع مطلع از مذاکرات ترامپ و امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه مدعی شدند ترامپ در هفته‌های اخیر نسبت به پذیرفتن طرح امانوئل مکرون تمایل نشان داده است. دو نفر از این افراد گفتند که مقامات وزارت خارجه آمریکا از جمله مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، پذیرای بررسی طرح فرانسه هستند که دولت پاریس از طریق آن می‌تواند به طور مؤثری اثر تحریم‌های اقتصادی دولت ترامپ بر تهران را کاهش دهد.

این چهار منبع آگاه از مکالمات دونالد ترامپ درباره توافق [هسته‌ای] مدعی شدند، در حالی که ترامپ هنوز با چیزی موافقت نکرده است، چندین بار در ماه گذشته از جمله در نشست جی ۷ در بیاریتز، نشانه‌هایی مبنی بر تمایلش برای همکاری با چنین طرحی را نشان داده است.

«خبرگزاری بلومبرگ» هم در خبری مدعی شده است دونالد ترامپ به استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری این کشور پیشنهاد کرد که تحریم‌ها علیه ایران را کاهش دهد. در همین حال برخی منابع خبری دیگر مدعی شده‌اند کویت برای میزبانی مذاکرات منطقه‌ای میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران اعلام آمادگی کرده است.

انتشار چنین اخباری از سوی منابع خبری گوناگون طی روزهای اخیر، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا جمهوری اسلامی ایران، مذاکره با دولت آمریکا را پذیرفته است و قرار است درباره مسائل منطقه‌ای پای میز بنشیند؟ روز پنج‌شنبه هفته گذشته در جمع خبرنگاران گفت: «می‌توانم به شما بگویم ایرانی‌ها خواهان مذاکره هستند.» او چند روز پیش از آن نیز به خبرنگاری در کاخ سفید که درباره دیدار رؤسای جمهوری ایران و آمریکا در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل پرسیده بود گفت: «هر چیزی ممکن است!»

شهر نجف، شخصیت سیاسی و مذهبی اسلام‌گرای عراقی، یکی از رهبران شیعیان عراق و شناخته شده‌ترین بازمانده خاندان صدر است. وی در زمینه سیاسی، رهبر جریان صدر و جریان سائرون است که در انتخابات اخیر عراق با این نام به عرصه مبارزات پارلمانی گذاشت. او نام سائرون را برای فراکسیون پارلمانی نیز برگزید.

مقتدی طرفدار ایجاد حکومت اسلامی و از مخالفان حکومت صدام و حضور نیروهای خارجی در عراق بوده است. نیروهای شبه نظامی مسلح تحت امر او پیش از این معروف به جیش‌المهدی(سرایا السلام) در مقاطعی درگیری‌هایی با نیروهای آمریکایی، بعثی و حکومت مرکزی داشته‌اند. مهم‌ترین پایگاه طرفداران صدر در استان‌های جنوبی عراق، به ویژه در شهرک صدر محله شیعه‌نشین بغداد است. وی چهارمین فرزند آیت‌الله سیدمحمد صدر، مجتهد شجاع و بانفوذ عرب عراقی در دهه ۹۰ میلادی است. پدر مقتدی به همراه دو پسرش در دوران رژیم بعثی صدام حسین به دلیل نقش محوری که در مبارزه مردم این کشور داشتند، به دست صدام ترور و کشته شدند.

نسب خانواده صدر به پیشوای هفتم شیعیان، موسی بن جعفر کاظمین می‌رسد. صدی‌ها که در منطقه جیل عامل لبنان سکنی گزیده بودند، بعدها به نجف در عراق هجرت کردند و گروهی از آنها نیز راهی ایران شدند. پسر عموی پدر صدر، آیت‌الله

سر مقاله

امام خامنه‌ای حسین زمان است

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول



عبارت کوتاه، گویا و پرمعنای «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» بیش از هر زمان دیگر برای همگان قابل فهم و درک شده است. شهید سیدمرتضی آوینی (رضوان الله تعالی علیه) چه خوب و عالمانه و عارفانه گفت: «هر کس می‌خواهد ما را بشناسد، داستان کربلا را بخواند.» داستان کربلا از آنجا آغاز شد که با مرگ معاویه، یزید به قدرت رسید و تصمیم گرفت از امام حسین(ع) بیعت گرفته و ایشان را با خود همراه کند. حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) در برابر چنین مطالبه‌ای نفرمودند، من با یزید بیعت نمی‌کنم؛ بلکه با بیانی برگرفته از اندیشه ناب توحیدی فرمودند: «مثلی لا یباع مثله»، مثل و همانند من، هرگز با یزید بیعت نخواهد کرد. حضرت سیدالشهداء(ع) با این عبارت کوتاه اعتقادی، پایه‌گذار یک حرکت عزت‌طلبی، آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و دین‌خواهی به معنای واقعی کلمه در جهان اسلام شدند.

امام حسین(ع) دلیل بیعت نکردن با یزید را در بیانی دیگر این چنین اعلام داشتند: «هیئات منالذله»، ذلت‌پذیری از ما به دور است. در دیدگاه امام حسین(ع) بیعت با یزید، یعنی تن دادن به ذلت و پذیرش خفت و خواری و قرار گرفتن تحت سلطه طاغوت. این در حالی است که پیام همه انبیاء الهی برای رسیدن انسان به سعادت، حرکت در مسیر عبودیت و بندگی خداوند یکتا و دوری جستن از طاغوت و ایستادگی در برابر آن است. «و لقد بعثنا فی کل امه رسولان اعبداوالله و اجتنوبا الطاغوت». بدیهی است، هر کس مانند امام حسین(ع) بخواهد در مسیر عبودیت و بندگی خدایه و «ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند»، برای اثبات کند، باید در برابر طاغوتی چون یزید، دست رد بر خواسته بیعت طاغوت زده و در برابرش بایستد. بر اساس مطالعات دقیق تاریخی، در هر عصر و زمانی، طاغوت اعظمی وجود دارد. با هزار و یک دلیل، آمریکا این شیطان بزرگ، طاغوت زمان کنونی ماست.

نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایالات متحده، به دنبال سلطه کامل بر جهان و به بردگی گرفتن همه انسان‌های روی کره زمین است. وقتی با فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق، آمریکایی‌ها نظم نوین جهانی را مطرح کردند، بوش پدر گفت، نظم نوین یعنی حداقل ۱۰۰ سال رهبری آمریکا بر جهان و باید ارزش‌های آمریکا را بر جهان حاکم کنیم. ارزش‌های آمریکایی در نقطه مقابل ارزش‌های توحیدی و از جنس ارزش‌های فرعون، نمودی و یزیدی است.

بدیهی است در برابر چنین طاغوتی، موحدان واقعی، آزادی‌خواهان، حق‌طلبان، عزت‌طلبان و همه کسانی که مانند امام حسین(ع) هستند قد علم کرده، از بیعت با آمریکا سر باز زده و در برابر او می‌ایستند. ایستادگی چهل ساله ملت ایران در برابر آمریکا، منطقی جز ایستادگی امام حسین(ع) در برابر یزید ندارد. شعارهای ملت ایران در طول چهل سال گذشته، همانند «حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست»، «هیاهای منالذله» و «ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند»، برای اثبات ادعای مذکور کفایت می‌کند. از سویی دیگر، آمریکا به مثابه طاغوت زمان، جمهوری اسلامی را در وضعیت کنونی، مانع اصلی سلطه‌اش بر جهان می‌داند. سلطه آمریکا بر منطقه راهبردی غرب آسیا شرط لازم برای سلطه بر جهان است و سلطه بر غرب آسیا بدون سلطه بر ایران ممکن نیست. یزید بسط سلطه‌اش بر جهان اسلام را، با بیعت گرفتن از فرزند پیامبر(ص)، یعنی حسین‌بن‌علی(ع) یا کشتن و از صحنه خارج کردن ایشان ممکن می‌دانست.

ادامه در صفحه ۲



یادداشت

اختفا برای بازی با افکار عمومی!



فرهاد مهدوی

کارشناس رسانه

در شرایطی که جهان به دهکده تشبیه شده و صدراساداتی‌ها در این دهکده افراد شناخته شد‌های در مبارزه با فساد بوده‌اند، به یکباره تصمیم می‌گیرند در این دهکده کوچک خود را گم کنند. خانواده‌شان هم بی‌خبر یا با خبر به پلیس، مجلس خبر گران و… مراجعه می‌کنند و کمپین‌های متعدد فضای مجازی به راه می‌افتد که گویا کسانی که افشاگر فاسدان بوده‌اند در عملیاتی امنیتی از صحنه جو شده‌اند!این خبر به سرعت رسانه‌ای می‌شود؛ اما انگار آنها در راه قم به تهران موبایل‌های خود را خاموش می‌کنند و سپس در مسیر قم به روستای فردو قرار می‌گیرند. در مسیرشان قلیان و ذغال می‌خرند اما صدراساداتی هم یک استوری در اینستاگرام خود می‌گذارند که در پنج کیلومتری کیاسر هستند. این استوری راز آنها را برملا می‌کند که آنها گم نشده‌اند و بازداشت نیستند؛ اما همچنان خانواده و برخی نهاده‌ها مانند مجلس خبر گان رهبری بیانیه می‌دهند که پیگیری یافتن آنها هستند…

در ماجرای صدراساداتی‌ها اشاره به چند نکته الزامی است:

۱- مقابله با فساد دامنه بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد. ممکن است فرد منادی عدالت واقعا از نظر مالی بضاعت اندکی داشته و در این زمینه انگیزه الهی داشته باشد؛ اما در مسیر مبارزه با فساد و عدالت خواهی به روش‌های گوناگون وارد حیطه‌هایی از تهمت، اتهام‌زنی و مقصر تراشی برای دیگران شود و بدون توجه به قانون، به صدور کیفر خواست و اجرای عدالت برای دیگران اقدام کند که در این زمینه درگیری‌هایی با نیروهای امنیتی با قضایی ایجاد شود. در این ماجرا این موضوع نشان می‌دهد که او قصد دارد خود را پرچمدار مبارزه با فساد و تنها حامی جامعه قلمداد کند؛ در حالی که شیوه کار چنان غلط است که در همان نگاه اول پرسش‌های زیادی در اذهان به وجود می‌آورد که آیا این قبیل اقدامات عدالت‌خواهی است یا بازی با افکار عمومی و حتی بازی با خانواده خود که ۷۲ ساعت پر اضطراب و نگران‌کننده را پشت سر گذاشته‌اند!

۲- با پارچه کثیف نمی‌توان شیشه را پاک کرد. اقدام اخیر صدراساداتی در خوداختفایی و پوشش گسترده نامنی در کشور همراه با اتهام به دستگاه‌های امنیتی نشان می‌دهد آنها در این مسیر، عدالت را فدای اهداف خود کرده‌اند و به عنوان یک ابزار در حال بهره‌گیری از آن برای اهداف خود هستند و در آینده بیشتر مشخص خواهد شد که آنها دنبال چه اهدافی هستند.

۳- در روند فعالیت عدالت‌خواهی این جریان اگر چه در ابتدای امر نوعی خبرخواهی دیده می‌شود، با نگاه به روند کلی رفتارهای آنها مشخص می‌شود که بر بستر تخریب نظام اسلامی شکل گرفته و همین سبب شده است که جریان‌های معاند از این نمذ کلاهی نصیب خود کرده و به نظام اسلامی بیشتر حمله کنند. این نوع عدالت‌خواهی ویرانگر در بسترهای انقلابی و نظام اسلامی معنادار و امکان‌پذیر نیست.

در مسیر ۴۰ ساله انقلاب این قبیل جریان‌های انحرافی با شدت و ضعف‌هایی در زمین دشمن بازی کرده‌اند؛ اما عاقبت بسیاری از آنان غلطپلین در دامن معاندان جمهوری اسلامی بوده است.

امیدواریم جریان عدالت‌خواهی در مسیر مقابله با فساد، ابتدا اقدام به تظهير نفس خود و همراهی با نظام اسلامی در مقابله با فساد کند و این نظام مظلوم را که فرصت آزادی بیان را به آنها داده است متهم به صفت‌های مورد اشاره غرب نکند و سپس در بستر نظام اسلامی و به شیوه‌ای صحیح و عاقلانه به مبارزه علیه فساد و بی‌عدالتی برخیزد؛ زیرا حق‌شناسی است که بزرگ‌ترین مدافعان عدالت به گونه‌ای مورد هجمه قرار بگیرند که گویا سبب فسادهای اجتماعی و اقتصادی شده‌اند.

سرمقاله

امام خامنه‌ای حسین زمان است

ادامه از صفحه اول

بر اساس همین محاسبه و برآورد بود که پس از ناکامی در بیعت گرفتن از امام حسین(ع) تصمیم به قتل حضرت به هر شکل و هر قیمت گرفت و این‌چنین بود که واقعه کربلا به عنوان «عظم مصائب» با آن مختصات پدید آمد.
آری داستان امروز ما هم، داستان کربلاست. سردمداران آمریکا، یزیدیان این کربلا از یک سو و از سوی دیگر حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) پرچمدار اصلی جبهه حسینیان و به تعبیر زبانی سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، حسین زمان در کربلای امروز است. اما کربلائی امروز ما، با کربلائی محرم سال ۶۱ هجری یک تفاوت اساسی دارد. به برکت کربلائی ابا عبدالله الحسین(ع) و درس‌ها و عبرت‌های عاشورا، اکنون تربیت‌یافتگان در مکتب امام حسین(ع)، جبهه حسین زمان را، یک جبهه قدرتمند کرده‌اند. تجارب متراکم شیعه و همه آزادی‌خواهان از عاشورای امام حسین(ع) تاکنون سبب پدیدآیی جبهه‌ای به نام «مقاومت» در برابر طاغوت زمان شده، با این مختصات که یزد زمان، یعنی آمریکا نه قادر به گرفتن بیعت از حسین زمان است و نه قدرت کشتن و از صحنه خارج کردن آن را دارد؛ چرا که جبهه حسین زمان، یاران و اصحاب باوفای قدرتمندی در یک جغرافیای وسیع دارد. سیدحسن نصرالله در سخنرانی روز عاشورای امسال به عنوان یکی از سربازان قدرتمند حسین زمان، چنین توصیفی از کربلائی امروز دارد: «ما هر گونه جنگ علیه ایران را جنگ علیه کل مقاومت می‌دانیم که خیلی از کشورها را نابود خواهد کرد… در روز عاشورا موضع خود را به عنوان بخشی از محور مقاومت بار دیگر صراحتا اعلام می‌کنیم و می‌گوییم ما بی‌طرف نیستیم. آنان که می‌گویند این جنگ است، احتمالی، پایان محور مقاومت است، بدانند که این جنگ احتمالی پایان اسرائیل و هیمنه آمریکا در منطقه خواهد بود. این محور که در رأس آن امام خامنه‌ای ایستاده، اینجا به دنیا اعلام می‌کنیم که آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای سید ما و رهبر ما، حسین زمان ماست… به آقا، سید و رهبر خود می‌گوییم ای حسین زمان ما، همچنان که یاران امام حسین در شب عاشورا گفتند، ما هم می‌گوییم که والله ای سرور ما و امام ما، اگر همه ما کشته شویم و بدانیم که کشته می‌شویم و ما را می‌سوزانند، سپس زنده می‌شویم و این کار را هزار بار با ما بکنند، ای حسین زمانه، تو را تنها نخواهیم گذاشت… ما در این محور، جز پیروزی، عزت و حفظ مقدسات و حاکمیت خود ندیدیم.»

نکته بسیار مهم آنکه، نوع نگاه سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، در دیگر رهبران اجزای محور مقاومت اعم از شیعی و غیر شیعی، مانند حماس، جهاداسلامی، حشدالشعبی عراق، نیروهای وطنی سوریه، انصارالله یمن، فاطمیون، زینبیون، علویون، حسینیون، گروه‌های بحرینی و… نسبت به رهبر معظم انقلاب، امام حسین زمان، وجود دارد. روز به روز جبهه حسین زمان قدرتمندتر می‌شود و نشانه‌های قدرتمندی آشکار تر می‌شود. حضور مقتدی‌صدر در مراسم عزاداری سالار شهیدان در حسینیینه امام خمینی(ره) و نشستن در کنار امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) نمونه‌ای از این نشانه‌هاست؛ اما جبهه مقابل که جبهه یزیدیان زبعت با محوریت آمریکاست، افولای مورانه‌وار دارد. این جبهه نه قادر به گرفتن زیمن از حسین زمان از طریق محاصره و تشدید تحریم‌ها خواهد بود، نه جرئت و توان وارد جنگ شدن با جمهوری اسلامی و حسین زمان را دارد. وقتی امام خامنه‌ای فرمودند: «نه مذاکره خواهیم کرد و نه جنگی در پیش خواهد بود»، معنایش این است که امروز، جبهه امام حسین قدرتمنداست. کنار گذاشتن جان پولتوئن به عنوان نماد خشونت و جنگ‌طلبی از سوی ترامپ، نشانه‌ای از دور تر شدن و فاصله گرفتن آمریکایی‌ها از گزینه جنگ به دلیل ضعف و ناتوانی آمریکا از یک سو و قدرت پاسخگویی محور مقاومت از سوی دیگر است.

با گذر زمان نیز، ناکارآمدی تحریم‌های حداکثری ترامپ در حال آشکار شدن است. چنین روندهایی از پیروزی قطعی جبهه حسین(ع) و فروپاشی جبهه یزیدیان خبر می‌دهد.



مذاکره معنادار

دشمنی نیروهای مسلح در بالاترین سطح قرار دارد

بعدازظهر چهارشنبه در وزارت دفاع چین انجام شد و رئیس ستادکل نیروهای مسلح کشورمان مورد استقبال رسمی رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور قرار گرفت.
سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و هیئت همراه، مورد استقبال رسمی دو کشور مهم و تأثیرگذار در منطقه و جهان است. نگاهی به سطح روابط راهبردی ایران و چین نشان می‌دهد، هر دو کشور در مسئله اقتصاد با دشمن مشترکی مواجه هستند. چین در برخی ابعاد سطح روابطش با ایالات متحده در سطح رقابت است، از جمله در حوزه نظامی و در برخی سطوح در سطح دشمنی، اما جمهوری اسلامی ایران در همه سطوح، سطح روابطش با ایالات متحده سطح دشمنی است و از این رو مشترکات زیاد دفاعی بین ایران و چین وجود دارد.

اما آنچه به طور رسمی اعلام شده، این است که «ارتقای دیپلماسی دفاعی» مهم‌ترین اهداف این سفر محسوب می‌شود.

سفری با دعوت رسمی

روز چهارشنبه گذشته، ۲۰ شهریور ماه بود که سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به همراه هیئت عالی‌رتبه نظامی برای سفری سه روزه راهی چین شده، سفری که به دعوت رئیس ستاد ارتش چین صورت گرفت. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشورمان پس از ورود به پکن مورد استقبال ژنرال «لی زوا چنگ» رئیس ستاد مشترک ارتش چین قرار گرفت و مراسم استقبال رسمی و تشریفات

گزارشی از سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به چین

رابطه دفاعی ایران و چین راهبردی می‌شود

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

توسعه همکاری‌های دفاعی

دیدار با ژنرال «شنو چیلیانگ» معاون کمیسرین نظامی چین که معاون فرمانده کل قوای این کشور محسوب می‌شود، دومین برنامه سفر سرلشکر باقری به چین بود که در این دیدار نیز درباره راه‌های توسعه و تعمیق همکاری‌های دفاعی دوجانبه بحث و بررسی شد.

روابط راهبردی

دیدار با رئیس دانشگاه دفاع ملی چین و سخنرانی در جمع استادان و دانشجویان این دانشگاه دیگر برنامه سرلشکر باقری در چین بود.

سردار سرلشکر باقری در دیدار رئیس دانشگاه عالی دفاع چین در پکن گفت: «دانشگاه دفاع ملی ایران در راستای تقویت روابط دفاعی با چین، آماده انتقال تجربیات خود به دانشگاه دفاع ملی چین است.»

باقری افزود: «در ظرف چند سال گذشته روابط چین و ایران به سمت روابط راهبردی تغییر کرده و روز به روز در حال بهبود است و نیروهای مسلح دو کشور در زمینه‌های گوناگون به ویژه در زمینه مسائل آموزشی و علمی روابط خوبی با یکدیگر دارند.»

رئیس هیئت امنای دانشگاه عالی دفاع ملی با بیان اینکه جهان در حال تحول است و چالش‌های متفاوتی پیش روی کشورها وجود دارد که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند، تصریح کرد: «دانشگاه بهترین گزینه برای انصام فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه است.»

رئیس دانشگاه دفاع ملی چین هم در این دیدار گفت: «روابط خوب و

دیدار با ژنرال «شنو چیلیانگ» معاون کمیسرین نظامی چین که معاون فرمانده کل قوای این کشور محسوب می‌شود، دومین برنامه سفر سرلشکر باقری به چین بود که در این دیدار نیز درباره راه‌های توسعه و تعمیق همکاری‌های دفاعی دوجانبه بحث و بررسی شد.

دیدار با رئیس دانشگاه دفاع ملی چین و سخنرانی در جمع استادان و دانشجویان این دانشگاه دیگر برنامه سرلشکر باقری در چین بود.

سردار سرلشکر باقری در دیدار رئیس دانشگاه عالی دفاع چین در پکن گفت: «دانشگاه دفاع ملی ایران در راستای تقویت روابط دفاعی با چین، آماده انتقال تجربیات خود به دانشگاه دفاع ملی چین است.»

باقری افزود: «در ظرف چند سال گذشته روابط چین و ایران به سمت روابط راهبردی تغییر کرده و روز به روز در حال بهبود است و نیروهای مسلح دو کشور در زمینه‌های گوناگون به ویژه در زمینه مسائل آموزشی و علمی روابط خوبی با یکدیگر دارند.»

رئیس هیئت امنای دانشگاه عالی دفاع ملی با بیان اینکه جهان در حال تحول است و چالش‌های متفاوتی پیش روی کشورها وجود دارد که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند، تصریح کرد: «دانشگاه بهترین گزینه برای انصام فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه است.»

رئیس دانشگاه دفاع ملی چین هم در این دیدار گفت: «روابط خوب و

دیدار با ژنرال «شنو چیلیانگ» معاون کمیسرین نظامی چین که معاون فرمانده کل قوای این کشور محسوب می‌شود، دومین برنامه سفر سرلشکر باقری به چین بود که در این دیدار نیز درباره راه‌های توسعه و تعمیق همکاری‌های دفاعی دوجانبه بحث و بررسی شد.

دیدار با رئیس دانشگاه دفاع ملی چین و سخنرانی در جمع استادان و دانشجویان این دانشگاه دیگر برنامه سرلشکر باقری در چین بود.

سردار سرلشکر باقری در دیدار رئیس دانشگاه عالی دفاع چین در پکن گفت: «دانشگاه دفاع ملی ایران در راستای تقویت روابط دفاعی با چین، آماده انتقال تجربیات خود به دانشگاه دفاع ملی چین است.»

باقری افزود: «در ظرف چند سال گذشته روابط چین و ایران به سمت روابط راهبردی تغییر کرده و روز به روز در حال بهبود است و نیروهای مسلح دو کشور در زمینه‌های گوناگون به ویژه در زمینه مسائل آموزشی و علمی روابط خوبی با یکدیگر دارند.»

رئیس هیئت امنای دانشگاه عالی دفاع ملی با بیان اینکه جهان در حال تحول است و چالش‌های متفاوتی پیش روی کشورها وجود دارد که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند، تصریح کرد: «دانشگاه بهترین گزینه برای انصام فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه است.»

رئیس دانشگاه دفاع ملی چین هم در این دیدار گفت: «روابط خوب و

دیدار با ژنرال «شنو چیلیانگ» معاون کمیسرین نظامی چین که معاون فرمانده کل قوای این کشور محسوب می‌شود، دومین برنامه سفر سرلشکر باقری به چین بود که در این دیدار نیز درباره راه‌های توسعه و تعمیق همکاری‌های دفاعی دوجانبه بحث و بررسی شد.

دیدار با رئیس دانشگاه دفاع ملی چین و سخنرانی در جمع استادان و دانشجویان این دانشگاه دیگر برنامه سرلشکر باقری در چین بود.

سردار سرلشکر باقری در دیدار رئیس دانشگاه عالی دفاع چین در پکن گفت: «دانشگاه دفاع ملی ایران در راستای تقویت روابط دفاعی با چین، آماده انتقال تجربیات خود به دانشگاه دفاع ملی چین است.»

باقری افزود: «در ظرف چند سال گذشته روابط چین و ایران به سمت روابط راهبردی تغییر کرده و روز به روز در حال بهبود است و نیروهای مسلح دو کشور در زمینه‌های گوناگون به ویژه در زمینه مسائل آموزشی و علمی روابط خوبی با یکدیگر دارند.»

رئیس هیئت امنای دانشگاه عالی دفاع ملی با بیان اینکه جهان در حال تحول است و چالش‌های متفاوتی پیش روی کشورها وجود دارد که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند، تصریح کرد: «دانشگاه بهترین گزینه برای انصام فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه است.»

رئیس دانشگاه دفاع ملی چین هم در این دیدار گفت: «روابط خوب و

دیدار با ژنرال «شنو چیلیانگ» معاون کمیسرین نظامی چین که معاون فرمانده کل قوای این کشور محسوب می‌شود، دومین برنامه سفر سرلشکر باقری به چین بود که در این دیدار نیز درباره راه‌های توسعه و تعمیق همکاری‌های دفاعی دوجانبه بحث و بررسی شد.

دیدار با رئیس دانشگاه دفاع ملی چین و سخنرانی در جمع استادان و دانشجویان این دانشگاه دیگر برنامه سرلشکر باقری در چین بود.

سردار سرلشکر باقری در دیدار رئیس دانشگاه عالی دفاع چین در پکن گفت: «دانشگاه دفاع ملی ایران در راستای تقویت روابط دفاعی با چین، آماده انتقال تجربیات خود به دانشگاه دفاع ملی چین است.»

باقری افزود: «در ظرف چند سال گذشته روابط چین و ایران به سمت روابط راهبردی تغییر کرده و روز به روز در حال بهبود است و نیروهای مسلح دو کشور در زمینه‌های گوناگون به ویژه در زمینه مسائل آموزشی و علمی روابط خوبی با یکدیگر دارند.»

رئیس هیئت امنای دانشگاه عالی دفاع ملی با بیان اینکه جهان در حال تحول است و چالش‌های متفاوتی پیش روی کشورها وجود دارد که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند، تصریح کرد: «دانشگاه بهترین گزینه برای انصام فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه است.»

رئیس دانشگاه دفاع ملی چین هم در این دیدار گفت: «روابط خوب و

دیدار با ژنرال «شنو چیلیانگ» معاون کمیسرین نظامی چین که معاون فرمانده کل قوای این کشور محسوب می‌شود، دومین برنامه سفر سرلشکر باقری به چین بود که در این دیدار نیز درباره راه‌های توسعه و تعمیق همکاری‌های دفاعی دوجانبه بحث و بررسی شد.

دیدار با رئیس دانشگاه دفاع ملی چین و سخنرانی در جمع استادان و دانشجویان این دانشگاه دیگر برنامه سرلشکر باقری در چین بود.

سردار سرلشکر باقری در دیدار رئیس دانشگاه عالی دفاع چین در پکن گفت: «دانشگاه دفاع ملی ایران در راستای تقویت روابط دفاعی با چین، آماده انتقال تجربیات خود به دانشگاه دفاع ملی چین است.»

باقری افزود: «در ظرف چند سال گذشته روابط چین و ایران به سمت روابط راهبردی تغییر کرده و روز به روز در حال بهبود است و نیروهای مسلح دو کشور در زمینه‌های گوناگون به ویژه در زمینه مسائل آموزشی و علمی روابط خوبی با یکدیگر دارند.»

رئیس هیئت امنای دانشگاه عالی دفاع ملی با بیان اینکه جهان در حال تحول است و چالش‌های متفاوتی پیش روی کشورها وجود دارد که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند، تصریح کرد: «دانشگاه بهترین گزینه برای انصام فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه است.»

رئیس دانشگاه دفاع ملی چین هم در این دیدار گفت: «روابط خوب و

حجت‌الاسلام «حسن روحانی» رئیس‌جمهور کشورمان در گفت‌وگوی تلفنی با امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه استحکام برجام را به نفع اروپا و آمریکا دانست و گفت: «از دیدگاه دولت، مجلس و مردم ایران در شرایطی که تحریم‌ها باقی باشد، مذاکره با آمریکا معنا و مفهومی ندارد.»

گزارشی از سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به چین

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»

سالم دوجانبه ایران و چین باعث صلح و ثبات منطقه می‌شود. روابط خوب به نفع منافع مشترک دو کشور است و چین هم بر همین اساس به دنبال توسعه این روابط است.»



نیات شوم

□ **حمید خوش آیند**/ بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی از هر فرصتی برای کسب رأی در انتخابات پارلمانی این رژیم، که قرار است ۲۶ شهریور ماه برگزار شود استفاده می‌کند. پیروزی در این انتخابات برای نتانیاهو مهم است؛ زیرا می‌تواند برای یک دوره دیگر بر کرسی قدرت تکیه کند؛ به همین دلیل هم‌زمان با نزدیکی به انتخابات، وعده‌های نتانیاهو برای کسب آرای بیشتر نیز جنجالی‌تر و خطرناک‌تر می‌شود.

در این راستا، نتانیاهو ۱۹ شهریور ماه در جریان فعالیت‌های انتخاباتی با رونمایی از طرح خطرناک خود برای آینده این رژیم اعلام کرد در صورت پیروزی در انتخابات پیش‌رو، بلافاصله «دره اردن» و شمال «بحر المیت» (دریای مرده) را به سرزمین‌های تحت اشغال الحاق خواهد کرد: «یک مکان وجود دارد که می‌توانیم بلافاصله پس از انتخابات، حاکمیت اسرائیل اریژیم صهیونیستی را بر آن اعمال کنیم؛ البته اگر من از سوی شما شهروندان اسرائیل یک دستور واضح دریافت کنم!» نتانیاهو در چهار مقطع نخست‌وزیری هرگز به اندازه امروز جرئت اعلام چنین تصمیم‌هایی را نداشته است. این نیات شوم وی که با واکنش‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه شده است، در حالی مطرح می‌شود که سرزمین‌های کرانه‌باختری رود اردن در قلب اختلافات فلسطینی-صهیونیستی قرار دارد. رژیم صهیونیستی در این منطقه، همچنین در بیت‌المقدس شرقی حدود ۱۴۰ شهرک صهیونیست‌نشین ساخته است که از منظر حقوق بین‌الملل غیرقانونی و محکوم است.

سخنان بنیامین نتانیاهو در شهر «اشدود» که علاوه بر اظهار محکومیت غالب کشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی ایران و حتی عربستان را در پی داشت، بلافاصله با جواب موشکی گروه‌های مقاومت فلسطینی در نوار غزه پاسخ داده شد، درح‌طه که ظاهر وعده‌ای انتخاباتی است که به راحتی نمی‌توان آن را محقق کرد؛ اما حکایت تلخی است که باید ریشه‌های آن را در دو مؤلفه مهم جست‌وجو کرد:

۱- در خوی اشغالگری و تجاوزکاری صهیونیست‌ها که همواره به عنوان اصلی کلیدی در حیات و بقای رژیم اشغالگر قدس دخیل بوده است.
۲- مؤلفه بعدی که حداقل در تحلیل سخنان اخیر نتانیاهو مهم‌تر است، در «نفغال» و «سکوت» و بهتر بگوییم «گرایش» و «عطش» کشورهای عربی به رژیم صهیونیستی است که بیش‌ازپیش موجب گسست‌خی تل‌آویو را فراهم کرده است. در حقیقت پشتوانه سیاسی سخنی را که سه‌شنبه گذشته (۱۹ شهریور) در جریان سخنرانی انتخاباتی در شهر «اشدود» که از تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز پخش می‌شد، از زبان نتانیاهو جاری شد پیش از هر جای دیگری باید در پایتخت‌های برخی کشورهای عربی از جمله ریاض، ابوظبی، منامه و اردن جست‌وجو کرد که برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی و گشودن باب مناسبات سیاسی، امنیتی، تجاری، اقتصادی و… با این رژیم مسابقه گذاشته‌اند؛ طوری که هر یک تلاش می‌کنند تا بیشتر و جلوتر از دیگری خود را به رژیم صهیونیستی نزدیک کنند؛ اگرچه دلگرمی به حمایت‌های دولت آمریکا نیز در پیگیری چنین نیات شومی تأثیرگذار است.

اگر تقای کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس برای رابطه با رژیم صهیونیستی آن‌گونه نبود که امروز مشاهده می‌شود، شاید نخست‌وزیر این رژیم جسارت به زبان آوردن چنین مواضع اشغالگرانه‌ای را که با هدف یهودی‌سازی سرزمین‌های اشغالی صورت می‌گیرد نداشت. آنچه جرئت طرح چنین مواضعی را می‌دهد، سرگرم شدن کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، که داعیه رهبری جهان عرب را دارند، به امور حاشیه‌ای و مشغول شدن به جنگ و برادرکشی در یمن و سایر کشورهای اسلامی با حمایت حامیان رژیم اشغالگر قدس و دوستی با رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانی با نتانیاهو است.

در طرح اظهارات نتانیاهو در زمینه الحاق کرانه باختری رود اردن به رژیم صهیونیستی دو هدف مهم قابل شناسایی است:

۱- به دست آوردن رأی جناح راست در انتخابات پارلمانی؛
۲- تحقق بخشیدن به آرزوی چندین ساله که تاکنون شرایط میدانی و سیاسی امکان پیشبرد و اجرای آن وجود نداشت.

اما این اظهارات حتی اگر در سطح «اعلامی» باقی بماند و به مرحله «اعمال» نرسد، می‌تواند عواقب و پیامدهای سنگینی داشته باشد؛ اول اینکه موجب می‌شود امنیت و ساکنان این مناطق به مراتب بیشتر از گذشته در معرض خطر قرار بگیرند. دوم اینکه منتهی به سلسله‌ای از واکنش‌های امنیتی و نظامی می‌شود که بقاء امنیت و اقتصاد رژیم صهیونیستی را در منطقه با تهدیدات ماهیتی و موجودیتی مواجه می‌کند.

رصد

و ا ی ا ی ش آ خ ر ی ن ا خ ب ا ر م ن ط ق ه و ج ه ا ن

مرکز پژوهش‌های امنیت داخلی اسرائیل: حوثی‌ها ثابت کردند سعودی ببر کاغذی است و این همان دلیل سردرگمی «محمدبن سلمان» ولی‌عهد این کشور است.
ادامه هدف قرار دادن عمق سعودی با موشک و پهپاد به دست نیروهای صنعا (ارتش و کمیته‌های مردمی یمن) نشان می‌دهد خطرات علیه امنیت سعودی و ثبات آن رو به افزایش است.
سعودی دیگر اهرم‌های فشار زیادی ندارد تا بتواند از آنها در مقابله با انصارالله استفاده کند و به همین دلیل تلاش می‌کند از بالای پله پایین بیاید و ممکن است برای آغاز مذاکرات با حوثی‌ها از خود انعطاف نشان دهد.

مرکز مطالعات راهبردی بیگن-سادات: با نزدیک شدن به پایان جنگ (علیه سوریه)، چالش موجودیتی جدید در طول مرزهای شمالی و جنوبی (فلسطین اشغالی) بروز کرده است.
محوری نظامی در طول مرزهای شمالی و جنوبی فلسطین اشغالی با مشارکت مؤثر سوریه، حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی فلسطین بنیان‌های یک روند فرسایشی بلندمدت و چند وجهی را برای اسرائیل(رژیم صهیونیستی)، پای‌بریزی می‌کند.
این تهدید سبب شده است اسرائیل از همه سمت از لبنان گرفته تا سوریه و نوار غزه و به تازگی شبه‌نظامیان شیعه در عراق تحت محاصره قرار گیرد.

واشنگتن پست: ترامپ از پرداخت ۱۵ میلیارد دلار پول نقد آمریکا به ایران، به مثابه اعلام فشاری علیه دموکرات‌ها استفاده می‌کند تا طرح پنج میلیارد دلاری خود برای ساخت دیوار مرزیکر را توجیه کند.
باید پذیرفت، پول‌های که دولت اوباما به ایران پرداخت کرده از جیب مردم و دولت آمریکا نبوده است؛ بلکه دارایی‌های بلوکه شده ایران در مؤسسات مالی بین‌الملل در سراسر جهان بوده است.
بلومبرگ: آمریکا در صفر کردن صادرات نفت ایران شکست خورد.
همه شرکت‌های کنترل‌کننده ایران موافقت که آمریکا هنوز به هدف خود نرسیده و نفت ایران همچنان فروخته می‌شود؛ ولی به دلیل شیوه‌های متفاوت آنها، تحلیلگران درباره مقدار فروش این نفت توافق ندارند.
صادرات روزانه ایران می‌تواند از چند صد هزار بشکه در روز تا یک میلیون بشکه متفاوت باشد.

لبنه کبیر: اگرچه تحریم اقتصادی ایالات متحده به مردم فشار آورده، اما ایران تحت کمپین «اعمال فشار حداکثری» در هم نشکسته و نشانهای هم از تن دادن این کشور به مذاکره از روی نومییدی مشاهده نمی‌شود.
بالعکس، ایران با آغاز کمپین اعمال فشار متقابل خود، شماری از بازیکنان کلیدی را به تغییر محاسبات سود و زیان واداشته است.

نشنال اینترست: نیروی دریایی بریتانیا در وضعیت بحرانی کنونی کار دشواری برای حفظ کردن دو کشتی جنگی خود در خلیج‌فارس دارد.
این موضوع نشان می‌دهد، ناوگان دریایی بریتانیا در دهه‌های گذشته تا چه اندازه کوچک شده است.
در صورتی که حملات ایران ادامه پیدا کنند، بریتانیا با دردرس‌های بیشتری روبه‌رو خواهد شد.

جزوه‌المیست: بی‌شک ایران تاکنون در جنگ نفت‌کش‌ها مقابل آمریکا، انگلیس و متحدانشان در منطقه پیروز بوده است.
ایران می‌تواند با تاکتیک‌های نبرد نامتقارن دریایی موفقیت خود را ادامه دهد.
فعلاً نیز با وجود فشارهای آمریکا، اراده خود را در خلیج‌فارس اعمال کرده است.



پایان رژیم صهیونیستی

□ **سجاد محسنی**/ با سرعت‌گیری تحولات داخلی عربستان سعودی و خروجی پرئوسان کادر جدید سیاسی این کشور، گمانه‌زنی‌ها در مورد آینده ساختار قدرت در عربستان افزایش یافته است.
آینده قدرت در عربستان سعودی تحت تأثیر متغیرهای درونی و بیرونی بسیاری بوده است که طیفی از برآوردن خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمعیت جوان این کشور تا میزان تنش یا کاهش تنش در حوزه سیاست خارجی و ارتباط این کشور با قدرت‌های بزرگ را در بر می‌گیرد.
با وجود این، بررسی تغییر و تحولات در سطوح بالای سیاسی این کشور به همراه ارزیابی کلی از جابه‌جایی افراد در ساختار قدرت عربستان در دوره ملک سلمان نشان می‌دهد فضای قدرت به‌صورت برنامهریزی شده‌ای به‌سوی قبض قدرت در دستان فرزندان «سلمان‌بن‌عبدالعزیز» پیش می‌رود.

تحول احتمالی

به قدرت رسیدن محمدبن‌سلمان در پی دوران کوتاه ولایت‌عهدی محمدبن‌نایف و تلاش‌های گسترده دیپلماتیک و رسانه‌ای وی برای تثبیت این جایگاه، برجسته‌شدن خالدين‌سلمان به عنوان چهره‌ای مطرح در ساختار قدرت و تبدیل شدن وی به مهره‌ای مهم برای عربستان در ایالات‌متحده و سپس انتصاب به سمت قائم مقامی وزارت دفاع و محول شدن بخشی از سیاست خارجی عربستان به خالدين‌سلمان و در نهایت کنار رفتن خالد الفالح، وزیر انرژی عربستان به‌عنوان فردی باتجربه و انتصاب عبدالعزیزبن سلمان همگی نشانه‌هایی از تحول احتمالی در ساختار قدرت عربستان و به دست گرفتن نهادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی در دست فرزندان سلمان است.
این امر زمانی به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود که بدانیم ملک سلمان وضعیت جسمی مناسبی ندارد. در ادامه ابتدا شرایط کنونی ارزیابی خواهد شد، سپس پیامدهای چنین شرایطی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

شرایط قدرت

در مورد ارزیابی شرایط ذکر چند نکته قابل توجه است؛ نخست اینکه ملک سلمان به عنوان قطب سیاسی

«سیدحسن نصرالله» گفت: «ما هرگونه جنگ علیه ایران را رد می‌کنیم و آن را جنگی علیه کل محور مقاومت می‌دانیم که خیلی از کشورها را نابود خواهد کرد.
آن‌آنکه فکر می‌کنند این جنگ احتمالی، پایان محور مقاومت است، بدانند که این جنگ احتمالی پایان اسرائیل و هیمنه و سلطه و حضور آمریکا در منطقه خواهد بود.»

نگاهی به معادلات قدرت در نظام سلطنتی سعودی

قبض آینده قدرت در خاندان سلمان



و محمدبن‌سلمان به منزله مغز متفکر دولت جدید عربستان مطرح هستند؛ اما به نظر می‌رسد ابتکار عمل تا حدود زیادی در دستان محمدبن‌سلمان بوده و وی در تغییرات سیاسی اخیر نیز نقش زیادی داشته است.
بن‌سلمان که در آغاز، دوران پر فراز و نشیبی را طی کرد به نظر می‌رسد در حال کسب تجربه سیاسی باشد. تجربه‌های ناموفق جنگ یمن، برون‌گرایی سیاسی و ظهور رسانه‌ای در کنار لرزش‌های ناشی از قتل جمال خاشقچی وی را بر آن داشته تا به دنبال «تعادل» در تصمیم‌های سیاسی خود باشد.

دوم اینکه پایش فضای رسانه‌ای عربستان و افزایش فعالیت‌های «خالدين‌سلمان» به‌عنوان قطب امنیتی جدید حکایت از برجسته‌شدن چهره‌های جدید در فضای سیاسی عربستان دارد. خالدين‌سلمان پیش از «رمانیت بندر» سمت سفیر عربستان در ایالات‌متحده را در اختیار داشت که در بازگشت به عربستان به‌عنوان قائم‌مقام وزارت دفاع عربستان منصوب شد.
در واقع می‌توان گفت خالدين‌سلمان روند صعودی ساختار قدرت را به سرعت طی می‌کند، سابقه تحصیلاتی و اظهارات ضد ایرانی وی همواره نشان می‌دهد او تمایل به در پیش گرفتن مواضع رادیکال در مورد ایران دارد.
پیش از این محمدبن‌سلمان نیز چنین رویکردی داشته است. به نظر

نقش خالد بن سلمان در سیاست داخلی و خارجی عربستان پیش از پیش محمدبن‌سلمان نیز چنین رویکردی داشته است. به نظر می‌رسد با توجه به روند کنونی، نقش خالد بن سلمان در سیاست داخلی و خارجی عربستان بیش از پیش خود بود.

برنامه‌ها و چشم‌انداز اقتصادی عربستان در کنار آزادی‌های جزئی اجتماعی توانسته به‌صورت نسبی نارسایی در حوزه مشارکت‌های سیاسی در عربستان را پوشش دهد، اگرچه به نظر این سیاست‌شناسان نمی‌تواند دراز مدت باشد، زمان بیشتری را برای تصمیم‌گیری در اختیار دستگاه حاکم قرار خواهد داد.

سوم اینکه عربستان پیش از پیش خواهد بود

برنامه‌ها و چشم‌انداز اقتصادی عربستان در کنار آزادی‌های جزئی اجتماعی توانسته به‌صورت نسبی نارسایی در حوزه مشارکت‌های سیاسی در عربستان را پوشش دهد، اگرچه به نظر این سیاست‌شناسان نمی‌تواند دراز مدت باشد، زمان بیشتری را برای تصمیم‌گیری در اختیار دستگاه حاکم قرار خواهد داد.

دوم اینکه پایش فضای رسانه‌ای عربستان و افزایش فعالیت‌های «خالدين‌سلمان» به‌عنوان قطب امنیتی جدید حکایت از برجسته‌شدن چهره‌های جدید در فضای سیاسی عربستان دارد. خالدين‌سلمان پیش از «رمانیت بندر» سمت سفیر عربستان در ایالات‌متحده را در اختیار داشت که در بازگشت به عربستان به‌عنوان قائم‌مقام وزارت دفاع عربستان منصوب شد.
در واقع می‌توان گفت خالدين‌سلمان روند صعودی ساختار قدرت را به سرعت طی می‌کند، سابقه تحصیلاتی و اظهارات ضد ایرانی وی همواره نشان می‌دهد او تمایل به در پیش گرفتن مواضع رادیکال در مورد ایران دارد.
پیش از این محمدبن‌سلمان نیز چنین رویکردی داشته است. به نظر می‌رسد در حال کسب تجربه سیاسی باشد. تجربه‌های ناموفق جنگ یمن، برون‌گرایی سیاسی و ظهور رسانه‌ای در کنار لرزش‌های ناشی از قتل جمال خاشقچی وی را بر آن داشته تا به دنبال «تعادل» در تصمیم‌های سیاسی خود باشد.
تجربه‌های ناموفق جنگ یمن، برون‌گرایی سیاسی و ظهور رسانه‌ای در کنار لرزش‌های ناشی از قتل جمال خاشقچی وی را بر آن داشته تا به دنبال «تعادل» در تصمیم‌های سیاسی خود باشد.
تجربه‌های ناموفق جنگ یمن، برون‌گرایی سیاسی و ظهور رسانه‌ای در کنار لرزش‌های ناشی از قتل جمال خاشقچی وی را بر آن داشته تا به دنبال «تعادل» در تصمیم‌های سیاسی خود باشد.
تجربه‌های ناموفق جنگ یمن، برون‌گرایی سیاسی و ظهور رسانه‌ای در کنار لرزش‌های ناشی از قتل جمال خاشقچی وی را بر آن داشته تا به دنبال «تعادل» در تصمیم‌های سیاسی خود باشد.

«سیدحسن نصرالله» گفت: «ما هرگونه جنگ علیه کل محور مقاومت می‌دانیم که خیلی از کشورها را نابود خواهد کرد.
آن‌آنکه فکر می‌کنند این جنگ احتمالی، پایان محور مقاومت است، بدانند که این جنگ احتمالی پایان اسرائیل و هیمنه و سلطه و حضور آمریکا در منطقه خواهد بود.»

نگاهی به معادلات قدرت در نظام سلطنتی سعودی

قبض آینده قدرت در خاندان سلمان

بن سلمان در ساختار قدرت می‌تواند قبض قدرت در خاندان سلمان را ایجاد کند و رقابت محمد بن سلمان و خالد را افزایش دهد؛ بنابراین نمی‌توان چنین فرضی را نظر دور داشت که در صورت وقوع رقابت میان خالد و محمد، خاندان سلمان از درون دچار بحران خواهد شد.
در نهایت اینکه در حوزه سیاست خارجی می‌توان گفت عمده فرزندان مطرح سلمان چهره‌هایی غربگرا و سکولار هستند و وجوه اشتراک کمتری با جمهوری اسلامی دارند؛ بنابراین تداوم تنش میان ایران و عربستان و وارد شدن روابط دو کشور به نقطه‌ای برگشت‌ناپذیر محتمل به نظر می‌رسد.

نتیجه

ایمن احتمال که آینده ساختار قدرت در دست خاندان بن سلمان باشد افزایش یافته است؛ بنابراین سلسله مراتب احتمالی قدرت به این صورت خواهد بود که با فوت ملک سلمان، محمدبن‌سلمان به‌عنوان پادشاه جدید و خالدين‌سلمان به عنوان ولی‌عهد منصوب خواهند شد و قطب اقتصادی عربستان نیز عبدالعزیزبن‌سلمان خواهد بود.
البته چنین ساختاری می‌تواند ساختاری مطلوب برای محمد بن سلمان تلقی شود.

در صورت وقوع چنین شرایطی، قدرت در ساختار سیاسی عربستان بیش از پیش متمرکز خواهد شد که این مسئله با روند تحولات و سیاست‌های رونمایی عربستان در مورد آزادی‌های اجتماعی و برنامه‌های اقتصادی چندان سازگار نیست.
این رویکرد متناقض هم می‌تواند اپوزیسیون‌های داخلی منسجم‌تری از نوادگان عبدالعزیز علیه خاندان سلمان تشکیل دهد و هم در حوزه اجتماعی منجر به تحولات شود.
گذشته از این در سوی دیگر قضیه اگر خالد یا عبدالعزیز- با اولویت خالد- به عنوان گزینه بدیل محمدبن‌سلمان برجسته شوند، امکان افزایش تنش در میان فرزندان ملک سلمان هم بیشتر می‌شود.
البته تاکنون مواضع محمدبن‌سلمان و خالدين‌سلمان در حوزه سیاست خارجی مشابه بوده است.
باید دید با قدرتمندتر شدن خالد و عبدالعزیز آیا همچنان هر سه کنشگر قدرتمند همسو حرکت خواهند کرد یا حالت‌های دیگر ساختار قدرت شکل خواهد گرفت.

روزنه

راز تغییر راهبرد آمریکادر یمن

□ **محمدرضا مرادی**/ انصارالله

به عنوان یک گسره انقلابی در ۵۳ ماه گذشته در حال دفاع از یمن در برابر تجاوز عربستان و امارات است.
از همان ابتدای جنگ، کشورهای غربی با معرفی انصارالله به عنوان یک گروه شورشی و غیر مشروع خواستار عقب‌نشینی این گروه از صنعا، پایتخت یمن شدند؛ اما روند تحولات یمن به گونه‌ای رقم خورد که سیاست‌های غرب در یمن شکست خورده و اکنون انصارالله به عنوان برنده این نبرد معرفی شده است.
آمریکا در شرایط کنونی که انصارالله دست برتر تحولات میدانی و سیاسی را دارد، ناچار به تغییر راهبرد شده و با میناجی‌گری عملاً درخواست مذاکره با انصارالله را داده است.
به ویژه پس از آنکه هیئت انصارالله در تهران با سفرای اروپا جلسه برگزار کرد و به این ترتیب کشورهای غربی نیز به مشروعیت انصارالله اعتراف کردند.
ائتلاف عربستان و امارات در مقابله با انصارالله عملاً از هم فرو پاشیده و نیروهای تحت امر این دو کشور در جنوب یمن به جان هم افتاده‌اند.
علاوه بر این حملات موشکی و پهپادی انصارالله به عربستان و هدف قرار دادن تأسیسات نفتی این کشور حتی در شرقی‌ترین نقاط عربستان در حالی رخ داده که سامانه‌های دفاعی پاتریوت به ساخت آمریکا هستند، قادر به مقابله با حملات انصارالله نیستند.
به ویژه حمله اخیر انصارالله با ده پهپاد به پالایشگاه الشبیه در جنوب شرق عربستان و در ۱۰ کیلومتری مرز امارات باعث هراس همه متجاوزان شده است.
تغییر نگاه تأثیرگذار دیگری که سبب تغییر مهم آمریکا در جنگ یمن شده سرنگونی دو هواپیمای شناسایی آمریکایی طی دو ماه گذشته در آسمان یمن توسط سامانه‌های پدافند هوایی انصارالله و با شلیک موشک‌های هوشمند بوده است.

با پیشرفت‌های سریع در جنگ یمن، انصارالله یمن بزرگ‌ترین برنده سیاسی و میدانی است؛ زیرا آمریکا که دنبال گفت‌وگو مستقیم با رهبران آن است و دشمنان سعودی و اماراتی انصارالله از طریق متحدان خود در جنوب یمن درگیر جنگ نیابتی با یکدیگر هستند.
این دستاورد بزرگ سیاسی که پس از ورود جنگ یمن به پنجمین سال خود به وجود آمد، نمایانگر قصد آمریکا برای حمایت از مذاکرات مستقیم بین طرفین بحران و به رسمیت شناختن انصارالله به عنوان طرف اصلی است؛ از همین رو دولت آمریکا از شاهزاده خالد بن سلمان، فرزند شاه سعودی و معاون وزیر دفاع این کشور برای سفر به واشنگتن و ملاقات با مقامات آن و در رأس آنها

وزیر خارجه آمریکا دعوت رسمی کرد؛ البته انصارالله از نخستین واکنش به درخواست آمریکا اعلام کرده که این کشور قابل اعتماد نیست؛ اما همین درخواست مذاکره از سوی آمریکا یک پیروزی بزرگ برای مردم یمن به شمار می‌رود.

به نظر می‌رسد پس از دیدار هیئت انصارالله در تهران با نمایندگان کشورهای اروپایی، به تدریج باید با واقعیتی به اسم یمن متضاد آشنا شد.
روابط دیپلماتیک میان صنعا و تهران سبب شده است گشایش روند مذاکره با انصارالله سرعت گیرد.
در این خصوص نشریه «المجد» مصر به تازگی نوشته است: «آشکار است همه کسانی که در ویران‌سازی یمن نقش داشتند به این نتیجه رسیده‌اند که چارهای غیر از مذاکره با انصارالله یمن نیست.
این گروه به یمن اعتبار بخشیده و همه را مجبور کرده است تا حضور آن را به رسمیت بشناسند.
انصارالله، دارای طرح ملی و‌به‌زای است و نشان داده که در دفاع از یمن جدی است.»

آمریکا به‌رغم ادعایش نتوانسته دستاوردی را کسب کند و از پنج سال گذشته تاکنون که جنگ علیه یمن آغاز شده، انصارالله روز به روز قدرت و پهپادی و موشکی خود را ارتقا داده و مناطق بیشتری از عربستان را هدف حملات خود قرار داده است و همین مسئله آمریکا را وادار به درخواست چارهای غیر از مذاکره با انصارالله یمن نیست.
این گروه به یمن اعتبار بخشیده و همه را مجبور کرده است تا حضور آن را به رسمیت بشناسند.
انصارالله، دارای طرح ملی و‌به‌زای است و نشان داده که در دفاع از یمن جدی است.»
آمریکا به‌رغم ادعایش نتوانسته دستاوردی را کسب کند و از پنج سال گذشته تاکنون که جنگ علیه یمن آغاز شده، انصارالله روز به روز قدرت و پهپادی و موشکی خود را ارتقا داده و مناطق بیشتری از عربستان را هدف حملات خود قرار داده است و همین مسئله آمریکا را وادار به درخواست چارهای غیر از مذاکره با انصارالله یمن نیست.
این گروه به یمن اعتبار بخشیده و همه را مجبور کرده است تا حضور آن را به رسمیت بشناسند.
انصارالله، دارای طرح ملی و‌به‌زای است و نشان داده که در دفاع از یمن جدی است.»
آمریکا به‌رغم ادعایش نتوانسته دستاوردی را کسب کند و از پنج سال گذشته تاکنون که جنگ علیه یمن آغاز شده، انصارالله روز به روز قدرت و پهپادی و موشکی خود را ارتقا داده و مناطق بیشتری از عربستان را هدف حملات خود قرار داده است و همین مسئله آمریکا را وادار به درخواست چارهای غیر از مذاکره با انصارالله یمن نیست.
این گروه به یمن اعتبار بخشیده و همه را مجبور کرده است تا حضور آن را به رسمیت بشناسند.
انصارالله، دارای طرح ملی و‌به‌زای است و نشان داده که در دفاع از یمن جدی است.»

آمریکا به‌رغم ادعایش نتوانسته دستاوردی را کسب کند و از پنج سال گذشته تاکنون که جنگ علیه یمن آغاز شده، انصارالله روز به روز قدرت و پهپادی و موشکی خود را ارتقا داده و مناطق بیشتری از عربستان را هدف حملات خود قرار داده است و همین مسئله آمریکا را وادار به درخواست چارهای غیر از مذاکره با انصارالله یمن نیست.
این گروه به یمن اعتبار بخشیده و همه را مجبور کرده است تا حضور آن را به رسمیت بشناسند.
انصارالله، دارای طرح ملی و‌به‌زای است و نشان داده که در دفاع از یمن جدی است.»

شوی جدید نتانیاهو!

□ **نوید کمالی**/ «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی به‌تازگی با برگزاری یک نشست خبری، مدعی کشف یک نیروگاه اتمی مخفی در ارتفاعات شمالی آیاده در استان فارس شده است!
این ادعای تکراری نتانیاهو در حالی طرح می‌شود که وی سال گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل مدعی کشف یک انبار نگهداری مواد هسته‌ای در منطقه تورقوزآباد جنوب تهران شده بود که حتی با بی‌اعتنایی مسئولان آژانس انرژی اتمی- که مسئولیت نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب برجام را بر عهده دارند- روبه‌رو شد.

با این‌حال نتانیاهو در حالی که به زودی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مقر این سازمان در نیویورک برگزار می‌شود، بار دیگر با طرح ادعایی مشابه در تلاش است با ایجاد حواشی جنجال‌برانگیز هسته‌ای این نشست بین‌المللی را علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک کند.

رژیم صهیونیستی حفظ برجام و تداوم همکاری اروپا با ایران را یک تهدید ماهیتی علیه خود ارزیابی می‌کند، اما طرف اروپایی نگاه متفاوتی به برجام داشته و باور دارد که شکست برجام در واقع به معنای بازگشت به نقطه صفر و خروج ایران از روند تعامل و همکاری با طرف‌های اروپایی باقی‌مانده در برجام است که این مسئله به صورت مستقیم منافع درازمدت این اتحادیه را در منطقه و بین‌الملل با چالش روبه‌رو خواهد کرد؛ آن هم در شرایطی که کشورهایی، مانند چین و روسیه به سرعت در حال گسترش چتر منافع خود در منطقه هستند.

از این رو طرح خط اعتباری ۱۵ میلیارد یورویی به ایران به این دلیل مطرح شد که پس از اجرای گام دوم کاهش تعهدات هسته‌ای ایران و پیش از عملیاتی‌سازی گام سوم، تهران در تماس با رئیس‌جمهور فرانسه به وی تأکید کرده بود یا در چارچوب توافق CPOA سال۲۰۱۵ اروپا باید از ایران قطع خریداری کند یا معادل فروش نفت را به صورت خط اعتباری، در اختیار ایران قرار دهد تا ایران قادر باشد بر اساس آن نیازمندی‌های وارداتی خود را تأمین کند.
اجرای این طرح هر چند نیازمند دریافت موافقت کاخ سفید است و فرانسه به منزله نماینده اتحادیه اروپا می‌کوشد دولت آمریکا را برای پذیرش این راهکار متقاعد کند؛ اما فعلاً آمریکا برای حمایت از راهاندازی خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری متقاعد نشده است آن هم به یک دلیل مشخص که ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور پیش از شروع فرایند انتخابات ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری خواهان ثبت یک عکس با مقامات ایرانی در پشت میز مذاکره است!

در واقع ترامپ مخالف نقش‌آفرینی فرانسه به یز کشور دیگری در فرایند مذاکره با ایران است و می‌کوشد به هر شکل ممکن این پیام را به ایران منتقل کند که در نهایت برای حل و فصل مشکلات باید به طور مستقیم با دولت آمریکا و شخص رئیس‌جمهور این کشور وارد مذاکره شد!

این خواسته ترامپ هر چند به این معناست که ایران باید دوازده پیش‌شرط مورد نظر آمریکا را بپذیرد که سه ستون بازدارندگی ایران، یعنی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، توان دفاع موشکی و نفوذ منطقه‌ای را هدف قرار می‌دهد؛ اما باز هم رژیم صهیونیستی به این سطح از مهار ایران قانع نیست و می‌کوشد به هر شکل ممکن به ظن خود زمینه‌ساز اقدام نظامی و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران شود، از این رو همه تلاش خود را به کار بسته است تا به هر شکل ممکن مانع تداوم روند دیپلماتیک در برجام شود؛ آن هم در شرایطی که نزدیک‌ترین فرد به نتانیاهو در کاخ سفید یعنی بولتون در کنارش شده است.

از این رو می‌توان انتظار داشت، با توجه به شایعه‌سازی رسانه انگلو-صهیونیستی «رویترز» مبنی بر کشف آثار اورانیوم در تورقوزآباد و همچنین طرح ادعای جدید نتانیاهو مبنی بر کشف یک نیروگاه اتمی در آیاده، این روند فضاسازی و جنگ روانی رژیم‌صهیونیستی علیه ایران در هفتاد و چهارمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل که از تاریخ ۱۸ سپتامبر سال جاری میلادی آغاز خواهد شد، ادامه یابد، هر چند تحلیل اظهارات سابق نتانیاهو در سطح جامعه ملل از رنگ نداشتن این حنای ضد ایرانی او حکایت دارد!

«محسن رضایی» دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام طی یادداشتی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «دلیل اینکه کالاها و خودروهای ما نمی‌توانند، همانند سلاح‌های ما با نمونه‌های خارجی رقابت کنند، این است که ما راهی را که شهدا در امنیت رفته‌اند در اقتصاد نرفته‌ایم. راهی که از خودگذشتگی آغاز می‌شد و همه تلاش‌ها برای رضای خدا است. این انگیزه در اقتصاد و فرهنگ ما کمتر دیده می‌شود.»

نگاهی به تقابل دو رویکرد اقتصادی

اقتدار اقتصادی در برابر وابستگی اقتصادی



که راهبردی‌ترین مورد در حوزه استقلال اقتصادی قلمداد می‌شود. با درنظر داشتن فرهنگ اقتصادی چه برای تولیدکنندگان و چه برای مصرف‌کنندگان به اصطلاح با یک تیر دو نشان مورد هدف قرار می‌گیرد که هم موجب جلوگیری از ریخت و پاش‌ها، تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری و... می‌شود و هم سبب می‌شود کمبودی برای رسیدگی به معیشت قشر کم‌درآمد و مستضعفان جامعه به وجود نیاید.

■ **«فرهنگ اقتصادی» راهبردی‌ترین مورد در حوزه استقلال اقتصادی قلمداد می‌شود. با در نظر داشتن فرهنگ اقتصادی چه برای تولیدکنندگان و چه برای مصرف‌کنندگان، به اصطلاح با یک تیر دو نشان مورد هدف قرار می‌گیرد و هم موجب جلوگیری از ریخت و پاش‌ها، تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری و... می‌شود و هم سبب می‌شود کمبودی برای رسیدگی به معیشت قشر کم‌درآمد و مستضعفان جامعه به وجود نیاید.**

در این مسیر توجه ویژه به نیروی کار و به طور کلی سرمایه انسانی بسیار واجب است. هرچه بتوانیم نیروی کار جامعه را توانمند کرده و دانش کار را به آن منتقل کنیم و ابزارآلات مورد

دلیل عقب ماندن در اقتصاد

منزله یک مسئله اصلی در نظام اسلامی، راهبردی مؤثر برای رسیدن زندگی افراد جامعه به سطحی مطلوب است. در دهه گذشته، در تاریخ انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین ابلاغیه‌ای که امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در حوزه مسائل اقتصادی مطرح کردند، به ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مربوط می‌شود که بهمن سال ۱۳۹۲ انجام پذیرفت. این ابلاغیه مهم‌ترین دستورالعمل اقتصادی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور با قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و خارجی است تا از طریق تمرکز و تکیه بر تولید ملی و صادرات و واردات برنامه‌ریزی شده اهداف مدنظر در آن به منصه ظهور برسد.

از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون جمهوری اسلامی در حوزه‌های متعددی، از جمله امنیت و دفاع کارنامه قابل قبول و بسیاری خوشحال‌کننده‌ای را برای خود رقم زده است؛ اما در ابعاد دیگر همچون اقتصاد و معیشت تا رسیدن به نقطه مطلوب و راضی‌کننده فاصله زیادی دارد.

کم و بیش همه کشورهای توسعه‌یافته برای رسیدن به این نقطه‌ای که هم اکنون در آن هستند، راهی جز تکیه بر توان و تولید داخلی را انتخاب نکردند و در این مسیر قدم برداشتند؛ به گونه‌ای که در اولین قدم تولیدکننده با تولید کالاها و خدمات باکیفیت و تمرکز بر صرف حداقل هزینه‌ها باید بتواند مصرف‌کننده و مخاطب خود را جذب کند تا کالایش به فروش رود و سهم بسزایی را در تولید ناخالص ملی خود ایفا کند. تولیدکننده با علم به اینکه نیاز و مصرف‌کننده هر چه حوزه‌ای است و با تلاش برای تأمین و خودکفایی آن چه در کمیت و چه در کیفیت، می‌تواند اقلام مورد نیاز جامعه را تأمین کند.

در مرحله بعد این مصرف‌کننده است که باید با حمایت و خرید از تولیدکننده، کالاها و خدمات مورد نیازش را تأمین کند تا در چرخش چرخ اقتصاد کشورش که سبب استقلال و اقتدار اقتصادی کشور

تکاپو

حسین بخشی / «نقاشی ساختمان» به منزله یکی از مشاغل مرتبط با حوزه ساختمان در مورد واحدهای مسکونی، ادارات، دفاتر خدماتی و... کاربرد دارد. نقاش ساختمان باید باتوجه به حرفه‌ای که در زندگی انتخاب می‌کند، شرایط ویژه و حساسی را مدنظر قرار دهد.

گروه اقتصادی صبح صادق، گفت‌وگویی را با آقای «شیرعلی زمانی» که حدود ۴۰ سال است در این زمینه مشغول به فعالیت است انجام داده که به طور اجمالی برای آشنایی خوانندگان در ادامه می‌آید.

یک نقاش ساختمان باید در حین فعالیت و کار خویش از ابزارآلات مخصوص کارش، از جمله رنگ، روغن، تینر، قلم و... استفاده کند و متناسب با نظر مشتری و مخاطبش که صاحب کار است، رنگ‌آمیزی را شروع کند. برای این کار ابتدا مقدار سفارش کار را اندازه می‌گیرد، سپس با توجه به مترآز کار و جزئیات آن به مشتری قیمت کار را اعلام می‌کند و اگر با مشتری به توافق رسید، کار خود را آغاز می‌کند. وی برای شروع کارش ابتدا باید رنگ قدیمی روی سطوح را سمباده و کاردک بکشد، سپس سوراخ‌ها و ترک‌های موجود سطوح را با بتونه‌کاری و گچ‌کاری اصلاح کند. دوباره از سمباده و همچنین لیسه برای صاف کردن رنگ زدن آستر می‌کند. سپس با توجه به نظر مشتری رنگ‌های لازم را مخلوط کرده تا رنگ نهایی به دست آید و آن را به سطوح کار نقاشی می‌کند. برای تثبیت شدن این رنگ نه‌فقط مشتری را نیز در پی داشته باشد، رنگ‌آمیزی را می‌توان سه تا چهار بار تکرار کرد. نقاش باید خلاقیت داشته و همچنین در کار خود از دقت و ظرافت زیادی برخوردار باشد؛ چرا که مخاطبان و مشتریان معمولاً در پی نقاشان ماهر، با دقت و باتجربه هستند. این

کلید واژه گروه ۲۰ «گروه ۲۰» متشکل از وزاری دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو در سال ۱۹۹۹ به منظور تشکیل جلسات منظم میان مهم‌ترین کشورهای صنعتی و اقتصادهای در حال توسعه تأسیس شد.

گروه ۲۰ اجلاسی غیر رسمی است که گفت‌وگوی آزاد و سازنده میان کشورهای صنعتی و اقتصادهای در حال ظهور درباره موضوعات مرتبط با ثبات اقتصاد جهانی را با هدف مشارکت کشورهای عضو در تقویت ساختار بازارهای مالی بین‌المللی و اهمیت آوردن زمینه گفت‌وگو درباره سیاست مالی ملی، همکاری بین‌المللی و مؤسسات مالی بین‌المللی ترویج می‌کند. بر اساس این تعریف، گروه ۲۰ از رشد و توسعه اقتصادی در سراسر جهان حمایت می‌کند.

گروه ۲۰ در پاسخ به بحران‌های مالی اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی و پذیرش این مسئله که قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور به نحو مناسبی در مباحثات مربوط به اقتصاد جهانی مشارکت داده نشده‌اند، تأسیس شد.

پیش از تشکیل گروه ۲۰ نیز گروه‌های مشابهی به ابتکار گروه ۷ (متشکل از کشورهای صنعتی) تأسیس شده بودند؛ برای نمونه، گروه ۲۲ در واشنگتن ماه‌های آوریل و اکتبر سال ۱۹۹۸ تشکیل جلسه داده بود که هدف از آن مشارکت دادن کشورهای غیر عضو در گروه ۷ در حل بحران اقتصاد جهانی بود. همچنین در ماه‌های مارس و آوریل نیز گروهی متشکل از ۳۳ کشور تشکیل جلسه داد.

پیشنهادهای گروه‌های ۲۲ و ۳۳ مبنی بر کاهش حساسیت‌های اقتصادهای جهانی نسبت به بحران‌ها، منافع تشکیل اجلاس منظم سالانه مشاوره‌ای که اقتصادهای در حال ظهور را نیز در برمی‌گرفت، بیش از پیش آشکار کرد. بر همین مبنا به منظور انجام مباحثات مالی مستمر و منظم میان تعدادی کشور ثابت، گروه ۲۰ تشکیل شد. که متشکل از کشورهای آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، انگلیس، ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپاست و شورای ریاست دوره‌ای و بانک مرکزی اروپا در این اجلاس آن را نمایندگی می‌کند.

در این اجلاس همچنین مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول و رئیس بانک جهانی، رؤسای کمیته‌های پولی و مالی توسعه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به اعتبار مقام خود حضور دارند. گروه ۲۰ مهم‌ترین کشورهای صنعتی و قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور را در برمی‌گیرد و کشورهای عضو آن ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی و ۸۰ درصد تجارت جهانی و دو سوم جمعیت جهان را پوشش می‌دهند.

گروه ۲۰ از سال ۱۹۹۹ درباره مسائل مهمی به پیشرفت‌های مهمی دست پیدا کرده است. توافق درباره سیاست‌های توسعه‌ای، کاهش موارد نقض نظام مالی، نحوه برخورد با بحران مالی و مبارزه با تروریسم مالی از جمله موارد مهمی است که گروه ۲۰ در آنها به پیشرفت دست یافته است.

گروه ۲۰ همچنین در نظر دارد تعدادی از معیارها را بر پایه آن تجربیاتی که کشورهای عضو این گروه در زمینه‌های شفافیت قضایی و مبارزه با پولشویی و تروریسم مالی به دست آورده‌اند، در عرصه بین‌الملل رواج دهد.

اعضای این گروه در سال ۲۰۰۴، متعهد شدند معیارهای برتری برای شفافیت و تبادل اطلاعات در زمینه‌های مالیاتی را به اجرا درآورند که هدف از آن مبارزه با نقض نظام مالی و فعالیت‌های غیر قانونی نظیر فرار مالیاتی بود.

گفتنی است، این گروه نقش مهمی را در زمینه مسائل مرتبط با اصلاحات در نظام مالی بین‌المللی ایفا می‌کند.

ریاست اجلاس گروه ۲۰ به طور دوره‌ای میان کشورهای عضو می‌چرخد. رئیس جلسه هر ساله از میان کشورهایی که در گروه‌بندی‌های متفاوت منطقه‌ای عضویت دارند، انتخاب می‌شود. وزاری دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو گروه ۲۰ سالی یک بار جلسه تشکیل می‌دهند. رئیس کنونی گروه ۲۰، «شیمنو آبه» نخست‌وزیر ژاپن است.



سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی آخوند خراسانی-۹

زمینه‌های عینی مشروطه

□**فتح الله پریشان/** نهضت مشروطه مردم ایران آغازگر رسمی تحولات اجتماعی و سیاسی در این کشور به شمار می‌آید و به مثابه نقطه عظیمت فکر و اندیشه سیاسی جدید در ایران، حاصل علل و عوامل متعددی است که می‌توان آنها را به دو دسته کلی زمینه‌های عملی و نظری تقسیم کرد.

مقصود از زمینه‌های عملی، شرایط عینی خاصی است که سبب پیدایش مشروطه به مثابه یک «عمل سیاسی» شد. یکی از این عوامل مهم، فراهم شدن زمینه‌های لازم برای حضور و نفوذ بیگانگان در ایران بود که در شماره گذشته به آن اشاره کردیم. رفتار مستبدانه درباریان، یکی دیگر از زمینه‌های عینی مشروطه است. حضور و نفوذ بیگانگان در ایران آنگاه اثرگذارتر می‌نماید که آن را در کنار استبداد و پدرفقاری‌های حکومت قاجار با مردم در نظر بگیریم. به دیگر سخن، حضور و نفوذ بیگانگان، خود متأثر از عوامل متعددی، از جمله استبدادی بودن حکومت در این دوران است. نفوذپذیری و داشتن رفتار استبدادی از سرشت و ماهیت حکومت در آن زمانه نشئت گرفته است. در این حکومت، شاه «بر طبق اصل وراثت یا با زور و قلدری بر اریکه سلطنت جای می‌گرفت و به اراده خود و میل شخصی و تمایلات نفسانی بر مردم حکومت می‌کرد و آنچه را او می‌پسندید، پسندیده بود و آنچه را او نمی‌پسندید، منغور بود. چون خود را برگزیده خداوند می‌دانست و مردم هم متأسفانه همین عقیده را داشتند، احدی را بر او حق جواب و سؤال نبود. اراده شاه در حکم قانون الهی بود و اطاعت او را در حکم اطاعت از خدا می‌دانستند.»^۱ پیدایش ناامنی در کنار مشکلات مالی که با مرگ «ناصرالدین شاه» در سال ۱۲۷۵ شمسی موجب تشدید سستم بر مردم شده بود، در کنار حضور و نفوذ بیگانگان، زمینه‌های لازم را برای پیدایش تحولی اساسی در ایران فراهم می‌کرد. بی‌تردید، نقطه آغازین این تحول را می‌توان «بیداری مردم ایران» دانست. منظور از بیداری مردم ایران، وضعیتی است که در آن، برای نخستین بار مردم از ستم‌هایی که بیگانگان و استبداد سلطنت بر آنها روا می‌داشتند و تحمیل می‌کردند آگاه شده، درصدد تغییر دادن این وضعیت برآمدند. تکوین و شکل‌گیری بیداری ایرانیان حاصل نقش آفرینی عوامل گوناگون است که در میان آنها، روشنفکران و علمای دینی از نقش ویژه‌ای برخوردارند و با تأمل در مسیر تحولات می‌توان از دو گونه فکری و جریانی به تبع تأثیرپذیری از این دو قشر در تاریخ بعد از آن نیز سخن گفت.^۲

اندیشه ضرورت حاکمیت «قانون» در ایران را نخستین بار جریان روشنفکری در دوران مشروطه مطرح کرد. این اندیشه ایجاد محدودیت در رفتارهای حاکمان و درباریان را از طریق قانون عامل رفع سستم بر مردم تحلیل می‌کرد و از طریق روزنامه‌هایی که اگرچه بیشتر دولتی بودند یا در خارج از ایران، مانند اختر در استانبول، حکمت، ثریا و پرورش در مصر و قانون در لندن منتشر می‌شد، در جامعه ترویج می‌کردند.

به هر روی، روزنامه‌هایی از این قبیل، در افزایش آگاهی مردم و نشان دادن ناپساامانی اوضاع و در نتیجه ناراضیاتی مردم از این شرایط، بسیار مؤثر بودند؛ به گونه‌ای که برخی نویسندگان روزنامه‌های این دوران را نمادی شکایات و مظهر ناراضی‌ها و نفرت عامه از اصول اداره موجود دانستند، آنها را به وجود آورنده انقلاب فکری عظیم در میان جوانان معرفی کرده‌اند.^۳ اما در کنار نقش‌آفرینی روشنفکران در شکل‌گیری بیداری مردم ایران، نباید از نقش محوری علما و روحانیون غفلت کرد. برخی نویسندگان به درستی، رهبری و وظیفه نهادسازی جنبش را در اختیار روشنفکران و رهبری اعتراض‌ها و پشتوانه مردمی آن را در اختیار علما می‌دانند.^۴ اما نمی‌توان این تکنیک را به طور کامل پذیرفت. درست است که علما در رهبری اعتراض‌ها و بسیج مردم به دلیل جایگاه اعتقادی که داشتند، در مقایسه با روشنفکران نقش تعیین‌کننده‌تری داشتند، اما این واقعیت به مفهوم پذیرش این موضوع نیست که «رهبری فکری» فقط بر عهده روشنفکران بوده است. به زعم ما، اگر چه روشنفکران به دلیل توجه به بیرون از مرزها و مطالعه حکومت‌های دموکراتیک و قانون‌مدار در شکل‌گیری بیداری مردم پیشگام بودند، اما در تداوم و به صحنه آوردن مردم و نگه داشتن آنها در عرصه مبارزه با استبداد و استعمار علما و روحانیون نقش بسیار مهمی ایفا کردند و نقش خاص این قشر در شکل‌گیری بیداری ایرانیان را باید در جهت‌دهی آن دانست؛ به همین دلیل اگر از آن به «بیداری اسلامی» ایرانیان تعبیر شود، گزاف نیست. اگر روشنفکران در پیدایش بیداری مردم اثرگذار بودند، علما و روحانیون در تحقق نخستین جریان بیداری اسلامی در ایران معاصر و به تعبیر دیگر در اسلامی کردن این بیداری نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. مقصود از بیداری اسلامی، آگاهی مردم از ماهیت جائزانه و نامشروع سلطنت قاجار و جایز نبودن استیلای بیگانگان بر مسلمانان بر پایه آموزه‌های اسلامی است که امثال آخوند خراسانی و دیگر علمای وقت نجف، قم و تهران نقش ویژه‌ای داشتند.

منابع:

- ۱- مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۴۵-۴۶.
- ۲- منصور میراحمدی، اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، ص ۳۲.
- ۳- ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ص ۱۵۵.
- ۴- مهدی رهبری، مشروطه تاآم، تأملی در رویارویی ایرانیان با چهره ژانوسی تجدد، ص ۱۹۳.

نکته

گفتمان دینی

تاکون در تعریف «دین» اتفاق‌نظری بین عالمان و صاحب‌نظران وجود ندارد و تلقی از دین به صورت‌های بسیار متنوعی جلوه‌گر شده است. طبقه‌بندی‌هایی که از تعاریف دین به عمل آمده، هیچ‌یک تعریفی قانع‌کننده از دین ارائه نمی‌دهد؛ زیرا هر یک یا جنبه‌ای از دین را در نظر نداشته یا به کلی از مفهوم آن به دور افتاده‌اند. با وجود همه اختلافات در تعریف دین، می‌توان گفت: مراد از دین، تمام معانی، باورها، اعمال، نهادها، آیین‌ها و ارتباط‌هایی در جامعه است که به نحوی منتسب یا معطوف به امر قدسی هستند؛ مانند نگرش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های دینی مردمان، آیین‌های دینی، جماعت‌های دینی و سازمان‌های دینی، قدرت و اختیارات دینی، مشروعیت و حقانیت دینی و… که همه در جامعه‌شناسی به منزله واقعیتی اجتماعی مطالعه می‌شوند.

از سوی دیگر، «گفتمان» شیوه‌ای از اندیشیدن، کاربرد زبان، ارتباط و مناظره است. به عبارت دیگر، با نهادی شدن شیوه‌ای از اندیشیدن، گفتمانی به وجود می‌آید که در آن با کاربرد زبان و نوعی کنش ارتباطی مواجه هستیم. از جمله ویژگی‌های گفتمان، وجود نوعی خصوصیت «سازدای» و «برساختگی» در آن است. همچنین، گفتمان خصیصه زبان‌شناختی دارد؛ به این معنا که در واقع ما با زبان، فقط حرف نمی‌زنیم؛ بلکه امور و اشیا را نظم داده و تعریف می‌کنیم، آنها را به نقد می‌کنیم و بدین‌وسیله، از «عدم» خارج کرده و به وجود می‌رسانیم که خود می‌خواهیم. در این‌رو، گفتمان بازتاب یک قدرت و معادله‌ای از آن است. با این نگاه، در گفتمان دینی، دین متنی مقدس است که برای دینداران حیجیت دارد و به واسطهٔ آنها، توجه به امر قدسی ممکن می‌شود. ما از طریق آن به امر قدسی توجه می‌کنیم. به همین دلیل، معمولاً انسان‌هایی که دیندارند، در بی آن هستند که از طریق متن قدسی بفهمند خدا چه می‌گوید. در چنین گفتمانی، تفسیر سنت منطق جهان‌شمولی دارد و یکسره مشمول تکثر و نسبی‌گرایی نیست؛ چراکه درواقع، دیگر نمی‌تواند نسبی باشد و درباره آن نمی‌توان گفت، قرأت من با قرأت دیگری متفاوت است؛ چراکه از دیدگاه گفتمان دینی، ضوابط مشخصی وجود دارند که جهان‌شمولند و در آن، ما از طریق راهنمایی الهی به انجام اموری مکلف می‌شویم. از این‌رو، می‌توان گفت مفهوم کلمه در گفتمان دینی، «تکلیف» است. از سوی دیگر، باید توجه داشت در گفتمان دینی، مخاطب تکلیف، نه فرد، بلکه اجتماع است.



نقد روز

اهمیت عدالت در مکتب شیعه

□**امیر قسلی‌زاده/** در هفته گذشته، مجاری اختفای اختیاری ۲۲ ساعته برادران صدرالساداتی و سپس پیدا شدن آنها، بار دیگر موضوع عدالت‌خواهی را بر تارک تحلیل‌های رسانه‌ای و مجازی و حتی به صورت سؤالات جدی در لایه‌های دانشگاهی و حوزوی نشاند. به راستی عدالت چیست و چه افراد و جریان‌هایی با چه شاخصه‌هایی می‌توانند پرچم مبارزه با بی‌عدالتی را بر دوش بگیرند؟ آیا می‌توان به نام عدالت‌خواهی و ارائه مصادیقی که بعدها با اسنادی مشخص می‌شود از اساس خلاف واقع بوده، امنیت روانی جامعه و سرمایه اعتماد و امید مردم را به سرخه گرفت؟ آیا می‌توان با اختفای اختیاری و اتهام‌زنی به مراکز امنیتی افکار عمومی را با عناوین مقدسی، چون عدالت‌خواهی به بازی گرفت؟ اساساً عدالت در جامعه چگونه محقق می‌شود؟

ضرورت عدالت ناب

از گرایش‌های اصیل فطری در وجود انسان، عشق به «عدالت» و «عدالت‌گستری» است. برقراری گفتمان عدالت، تنها یک باور و مطالبه عمومی انسانی در طول حیات بشری نبوده؛ بلکه اعتقادی دینی و وظیفه‌ای الهی است که به تعبیر حضرت علی(ع) خداوند برای انجام آن از عالمان عهد و پیمان گرفته است. به تبع آن، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری آسیب ناکارآمدی در جنبش‌ها و نهضت‌ها عموماً و جنبش‌ها و دولت‌های مدعی دین‌مداری خصوصاً در طول تاریخ، در تحقق اصل عدالت‌محوری و پویایی آن بوده است. البته امروزه موضوع عدالت و نوع نگاه به آن در کارزارهای انتخاباتی جهان، از جمله در کشورمان همچنان تعیین‌کننده است و به مثابه کلان گفتمان گروه‌های سیاسی در مبارزه برای کسب رأی و قدرت صورت‌بندی می‌شود و چه بسا همین عامل بهره‌گیری حزبی و سیاسی از این مسئله در کنار عوامل دیگری، مانند نگاه غلط معرفتی به این مقوله زمینه برداشتها و تفسیرهای انحرافی و اشتباه از عدالت را فراهم کند.

عدالت‌خواهی و طمع منحرفان

بررسی‌ها و مطالعات آسیب‌شناختی در حوزه عدالت و عدالت‌خواهی نشان می‌دهد، ریشه برداشت‌های غلط از موضوع انسانی و

آفاق

«دکتر محمدرحیم عیوضی» می‌گوید: «مفهوم عدالت از نظر مکتب شیعه آنقدر مهم است که در کنار پنج اصل اعتقادی قرار می‌گیرد. عدالت فراگیر شامل دو بُعد مهم است: نخست، عدالت سیاسی و دوم، عدالت اقتصادی که بستر تحقق این دو، عدالت اجتماعی است. امام علی(ع) شرط شکل‌گیری دولت دینی را عدالت‌محوری می‌داند و بر این نکته تأکید می‌فرمایند که اگر در حکومت عدالت نباشد، چنین حکومتی منجر به فساد و تباهی می‌شود و شایستگی از جامعه رخت برمی‌بندد.»

فراتحلیلی بر آسیب‌ها و آفات جریان‌های عدالت‌خواهی

عدالت جویان بی‌عدالت مسؤلیت خود را بپذیرند!



سال‌ها به فریاد رهبر معظم انقلاب که پرچم‌دار واقعی عدالت‌خواهی در اندیشهٔ افراد، جنبش‌ها و دولت‌ها حتی در گونه دینی آن جست‌وجو کرد. نگاه‌های انحرافی و زاویه‌دار از نگاه «معیار» در دین به مقوله عدالت، خود سرچشمه آسیب‌ها و سرعت در زاویه‌گیری از تعریف شاخص در این حوزه است. اگرچه عدالت از آن مباحتی است که تعاریف زیادی از آن شده و هر گفتمان و دینی از منظر ارزش‌ها و ایستارهای خود به تعریف و تعیین حدود و ثغور آن نشسته و همواره تلاش کرده‌اند تعریف خود را برتر از دیگران ترسیم و تصویر کنند؛ اما این گونه هم نیست که نتوان به تعریفی اجماعی نزدیک شد. نگاه دینی و اسلامی به عدالت و عدالت‌خواهی، آن نگاه معیاری است که می‌تواند حول و حوش آن خیمه وحدت زد؛ چرا که دین مبین اسلام اساس وظیفه حاکمیت و هدف از تشکیل نظام اسلامی را برقراری عدالت اجتماعی می‌داند. این موضوع آنقدر اهمیت دارد که «شهید آیت‌الله مطهری» نسبت به فراموشی این هدف و فلسفه غایی آن هشدار می‌دهد: «من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد.»^۱

اما آنچه مایه اختلاف، منازعه و چالش می‌شود، تفاوت‌های تحلیلی ناشی از میزان معرفت به موضوع عدالت و مهم‌تر از آن تمایلات جریانی و تمایزات سیاسی در عدالت‌خواهی است

غیردینی از عدالت، بیشترین ظلم را به عدالت‌خواهی می‌کنند. در حالی که این رویکرد به عدالت با استانداردهای دوگانه حزبی و سیاسی پیامدهای مخاطره‌آمیزتری دارد که از قضا در وهله اول دامن همین مدعیان را می‌گیرد. قرأت انحرافی از عدالت بدون توجه به مبانی معرفتی دقیق و عمیق آن، خروجی‌ای جز مبارزه با معلول‌ها و ناظر به پاره‌ای از مصادیق بی‌عدالتی ندارد. در چنین جایگاهی آنچه آسیب می‌بیند، نگاه جامعه به عدالت و حکمرانی عادلانه است. در چنین وضعیتی، عدالت‌محوری قربانی ناتوانی مسئولان، بی‌تفاوتی نخبگان و درک نادرست مردم خواهد شد و این جدی‌ترین آسیب عدالت‌خواهی بدون

توجه به مبانی و منابع عدالت معیار با تعریف درون دینی است.

پیامدهای فهم غلط از عدالت

آسیب‌های فهم غلط و نگاه انحرافی به عدالت تنها از نظر اندیشه‌ای عدالت را به مسلخ نمی‌برد؛ بلکه پیامدهای حاکمیت یافتن آن در حوزه عمل و قدرت‌سیاسی بسی مخاطره‌آمیزتر است؛ زیرا این حوزه بیشتر با برقراری عدالت اجتماعی و بهره‌مندی همه اقشار جامعه از منافع و امکانات کشور در ارتباط است. اینکه دولت و جریانی ارجحیت نگاه خود به مسئله عدالت را در توزیع علی‌السویه منابع، ثروت‌ها و امکانات کشور بین همه آحاد جامعه به جای بهره‌مندی آدم‌ها و نهادها از امکانات و منابع به «تناسب» نیازها و استعدادها قرار دهد، نتیجه‌ای جز رکود تولید داخلی و فقیرتر شدن فقرا و غنی‌تر شدن اغنیاء متصور نیست. این نگاه وارونه به عدالت در ادامه برای بقای خود مجبور است با طرح عدالت مضیق و محدود به‌فسادستیزی مصادقی و تئوری‌پردازی دوگانه‌های تصنعی و باطلی، چون عدالت‌، مصلحت، عدالت-ولایت، عدالت‌ کارآیی و عدالت‌ قانون ریاست‌جمهوری سیزدهم قرار دارد، این است که مبلغان دیروز شعارهای عدالت توزیعی و عدالت مبتنی بر توسعه غربی، جوامرمدانه مسؤلیت اشتباه خود را بنه‌دیند نه اینکه به سطح ادعاهایی که خود در پیدایش آن طرح بسزایی دارند، مردم را از مسیر عدالت‌خواهانه واقعی‌ای که آغاز شده برای مقابله با فساد ناامید کنند.

۱- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، ۱۳۷۲، ص ۶۰

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی – ۵۹

ولایت فقیه همان ولایت امام زمان است

«دکتر محمدرحیم عیوضی» می‌گوید: «مفهوم عدالت از نظر مکتب شیعه آنقدر مهم است که در کنار پنج اصل اعتقادی قرار می‌گیرد. عدالت فراگیر شامل دو بُعد مهم است: نخست، عدالت سیاسی و دوم، عدالت اقتصادی که بستر تحقق این دو، عدالت اجتماعی است. امام علی(ع) شرط شکل‌گیری دولت دینی را عدالت‌محوری می‌داند و بر این نکته تأکید می‌فرمایند که اگر در حکومت عدالت نباشد، چنین حکومتی منجر به فساد و تباهی می‌شود و شایستگی از جامعه رخت برمی‌بندد.»

فراتحلیلی بر آسیب‌ها و آفات جریان‌های عدالت‌خواهی

عدالت جویان بی‌عدالت مسؤلیت خود را بپذیرند!

گفتمان توسعه برونزا اولاً، به اولویت‌دار بودن توسعه در مقایسه با دیگر ارزش‌ها به عنوان ایده حکمرانی قائل بوده و ثانیاً، اعتقاد دارند از طریق توسعه مناسبات با قدرت‌های بزرگ مادی در جهان می‌توان به آن دست پیدا کرد و از این‌رو تمام برنامه‌ها و امیدها به ابر پروژه‌های به نام «برجام» معطوف شد که عملاً «هیچ دستاوردی» نداشت؛ اما آنها نیز با بی‌انصافی تمام و به جای پاسخگویی و پذیرش مسؤلیت کم‌کاری‌های خود، مدعی کمبود اختیارات قانونی دولت هستند و باز انگشت اشاره اتهام را به تصریح و تلویح به سمت حاکمیت دینی می‌گیرند. اگر نگاه انحرافی به عدالت، دال‌های «ولایت» و «منیت» را زیر سؤال برد، تفسیر و ادعای غلط تعامل‌اندیشان از عدالت، دال‌های مهم «استقلال» و «قانون» را به حاشیه می‌برد؛ این در حالی است که تاریخ گواه آن نیست که ملتی با اتکا به بیرون توانسته باشد مرزهای واقعی دانش و توسعه درون‌زا را تغییر بدهد.

نکته پایانی

«عدالت‌خواهی» بنا بر ارزش ذاتی خود جذاب است، اما اگر به آفاتی چون ورود مهیم به مصادیق صرف بدون ارائه طرح و پیشنهاد عملی برای اصلاح فرایندهای فاسدزا مبتلا شود یا از تبیین ابعاد گوناگون عدالت در ساحت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و… باز بماند، تنها به ایجاد آتارشی و هرج و مرج به بهانه عدالت‌خواهی و القای این تلقی غلط که «کل نظام از صر تا ذیل آن فاسد است» منجر و منتهی می‌شود و نتیجه‌ای عاید مردم نمی‌کند و این، خود از اعظم ظلم‌ها در حق نظام اسلامی است. راه حل خداپسندانه و در تیررس قضاوت مدقانه مردمی که در آستانه حضوری دیگر برای رأی به جریان‌ها و افراد در انتخابات مجلس یازدهم و بعد ریاست‌جمهوری سیزدهم قرار دارد، این است که مبلغان دیروز شعارهای عدالت توزیعی و عدالت مبتنی بر توسعه غربی، جوامرمدانه مسؤلیت اشتباه خود را بنه‌دیند نه اینکه به سطح ادعاهایی که خود در پیدایش آن طرح بسزایی دارند، مردم را از مسیر عدالت‌خواهانه واقعی‌ای که آغاز شده برای مقابله با فساد ناامید کنند.

بی‌نوشت:

۱- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، ۱۳۷۲، ص ۶۰

رئزش‌ها

فراز و فرود عاالله مهاجرانی-۲

مذاکره مستقیم!

□**شهاب زمانی/** اگر بخواهیم مصادیقی برای تعبیر معصوم(ع) درباره نفاق بیابیم که سختی تشخیص آن را به سختی تشخیص حرکت مورچه سیاه در شبی سیاه بر روی سنگی سیاه تشبیه کنیم، سلوک اجتماعی و مدیریتی مهاجرانی نمونه مناسبی است. وی چنان خود را شایسته رهبر کبیر انقلاب جلوه می‌داد و در مدیریت‌ها و مناسبت‌های انقلابی تصویری در تراز مدیر اسلامی و انقلابی از خود ترسیم می‌کرد که هنوز باور تغییر وی در جهتی معکوس برای برخی سخت است. وی به مناسبت ارتحال امام خمینی با جملات ادیبانه در سوگ امام راحل در کیهان نوشت: «صفحات امروز روزنامه با اشک نوشته شد. با اشک بسته شد و شما هم امروز خبر را با چشمان اشک بار شنیدید. هیچ گاه مثل امروز ضربات تیک تیک ساعت خبر رادیو این گونه نبود. هر کدام پتکی بود بر قلبی. قلب‌ها فشرده شد و رها شد. چشم‌ها به اشک شسته و شانه‌ها لرزید. مگر می‌شود؟ سال بی‌بهار را چه کسی می‌داند؟ آسمان بی‌آفتاب را؟ شب بی‌ماه را؟ درهای بی‌موج را؟ ایران بی‌خمینی را…»

بررسی مقایسه‌ای شخصیت امروز مهاجرانی با مهاجرانی اوایل دوران انقلاب و دلباخته امام ما را به چه نتایجی می‌رساند؟ آیا او در آن زمان خود را در چنین آینده‌ای تصور می‌کرد که در مقابل آرمان‌های نظام اسلامی و رهبری که روزی این چنین از فراقش محزون و غمگین شده، تمام قد بایستد و با حکومتی مقابله کند که بینانگذارش امام بود؟ وی در سال ۱۳۹۰ در گفت‌وویی با شبکه العربیه درباره حکم ارتدادی که از جانب امام خمینی درباره سلمان رشدی صادر شد، گفت: «من در این امر تحقیق کامل انجام داده و تمام کتاب‌های فقهی تمام مذاهب، چه سنی و شیعه حتی زیدی را هم مطالعه کردم به نظر من این حکم از نظر فقهی درست نیست. من کاملاً با نظر امام خمینی مخالفم، ولی من متقدم بر نویسندهای بی‌امیانی دینی هر ملتی را محترم بشمارد». هنوز یک سال از سالگرد امام خمینی نگذشته بود که مهاجرانی با سمت معاون پارلمانی رئیس‌جمهور وقت، در مقاله‌ای با عنوان «مذاکره مستقیم» ایستادگی در مقابل آمریکا و کاخ سفید را شعار تلقی کرد و خواستار پایان این‌گونه شعارها شد. وی در مجله‌ای از این مقاله جنجالی می‌نویسد: «جیمز بیکر، وزیر امور خارجه آمریکا در ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۹ اعلام کرد که آمریکا آماده است با مقامات ایرانی مستقیماً مذاکره نماید… به گمان می‌توان با زاویه دیگر نیز مذاکره مستقیم را ستجد و بین مذاکره مستقیم و غیر مستقیم طرف بهتر و یا لاقل آن که شش کمتر است را برگزید.»

با انتشار این مقاله، جنجالی‌ای به پا شد و اعتراضی گروه‌های گوناگون سیاسی کشور مهاجرانی را مجبور کرد مقاله‌ای دیگر بنویسد و نظرش را تشریح کند. وی مقاله خود را یکی از نقاط برجسته نویسندگی و کار سیاسی و مطبوعاتی خودش قلمداد کرد و وعده کرد که در فرصت بعدی از خجالت مخالفان خود در می‌آید. آتش معر که بالا گرفت و نوشته در جواب نوشته، این موضوع را عملاً به یکی از داغ‌ترین مباحث و موضوعات روز آن دوران تبدیل کرد تا اینکه رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ به موضوع مذاکره با آمریکا اشاره می‌کند و می‌فرماید: «او ما مذاکره، من معتقدم آن کسانی که فکر می‌کنند ما باید با رأس استکبار، یعنی آمریکا مذاکره کنیم، یا دچار ساده‌لوحی هستند یا مریعوند. مذاکره یعنی چه؟ صرف اینکه شما بروید با آمریکا بنشینید و حرف بزنید و مذاکره کنید مشکلات حل می‌شود؟ این طوری نیست. مذاکره در عرف سیاسی، یعنی معامله، مذاکره با آمریکا، یعنی معامله با آمریکا… او می‌خواهد شما از این پابندی‌تان دست بردارید. او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرفراز را نداشته باشید، حاضرید؟»

نکته جالب ماجرا آنجاست که مهاجرانی در مصاحبه با «داریوش سجادی» در سال ۱۳۸۴ در تخطئه نظرات سال ۱۳۶۹ خودش می‌گوید: «اگر آمریکایی‌ها بخواهند اراده خودشان را تحمیل کرده و ایران را به عنوان یک کشور آزاد و مستقل که به هیچ عنوان اراده خارجی بر حکومت او تحمیل نمی‌شود به رسمیت بشناسد، در این صورت من آینده متفاوتی را نسبت به دهه‌هایی که گذشت، پیش‌بینی نمی‌کنم.»

^[1] شیخ طوسی، التّهذیب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵، ج ۶ ص ۳۰۳

^[2] امام خمینی، همان، ج ۲، ص ۶۴۲

^[3] دومین کتاب خاص ایشان

^[4] عاملی، شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰

^[5] امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۷۹

^[6] کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۹

^[7] تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلمه، ص ۱۱۵

^[8] امام خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۴

رساله حقوقی

□**محمدرضا قضایی** / یکی از

مشکلات بشر در طول تاریخ تزامحقوق بوده است. انسان‌ها وقتی خود را ملزم به رعایت حقوق خود در برابر دیگران نمی‌دانند، دچار مصائب و مشکلات فراوانی می‌شوند. امام سجاد(ع) در دوران امامت خود پس از شهادت حضرت سیدالشهدا(ع) زمانی که مروانیان امام را تحت مراقبت گرفتند تا ایشسان قیامی را برای خونخواهی پدر خود رقم نزن، تنها راه ارتباطی خود با مردم آن روز با خالق خود دیدند. در این دوران س از حادثه عاشورا و روشنگری‌های خاندان پیامبر و خطبه‌های حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) در شام مردم به این نتیجه رسیدند که باید در کنار امام و تحت تربیت ایشان باشند تا به زندگی راحت‌ی دست پیدا کنند. امام نیز شرایط را برای تحول در گفتمان اسلام مناسب دیدند و به ذکر دستورات اسلام در قالب دعا و نجوای با خدا پرداختند. امام سجاد(ع) همچنین حقوق انسان‌ها را نسبت به یکدیگر بیان فرمودند تا هر فردی در هر نقطه‌ای در تاریخ توسط آن حقوق خود و انسان‌ها و محیط اطراف را بشناسد و زندگی با آرامش و پیشرفتی چشمگیر برای خود رقم بزند.

رساله حقوقی امام سجاد(ع) مشتمل بر موضوعات گوناگونی است که هر کدام به تنهایی قابل توسعه به حقوق دیگر است. هزاران حقوقی که بر عهده انسان است از این رساله حقوقی می‌تواند استخراج شود. در اینجا تنها تعداد اندکی از این حقوق را ذکر می‌کنیم. حق خدا حق نفس، حق اعضای بدن، حق عبادات و احکام، حق والی و فرمان‌روا، حق مولی، حق معلم، حق متعلم، حق رعیت، حق زن، حق مادر، حق پدر، حق فرزند، حق برادر، حق نیکوکار، حق خصم، حق همنشین، حق همسایه، حق رفیق، حق شریک، حق مال، حق وامخواه، حق معاشر، حق رأی‌خواه، حق رایزن، حق نصیحت‌خواه، حق نصیحت‌گو، حق بزرگ، حق کوچک، حق خواننده، حق مسئول، حق شادکننده، حق بدی‌کننده، حق هم‌دینان، حق اهل ذمه و... روز شهادت امام سجاد(ع) ۱۲ یا ۱۹ محرم سال ۹۴ یا ۹۵ ه‍.ق ذکر کرده‌اند.

تاریخ حماسه

بازتاب «فتح مه‌ران»

ده روز جنگ و مقاومت در منطقه مه‌ران با انهدام چندین تپ و لشکر رژیم بعث به آزادسازی ۱۷۵ کیلومترمربع از خاک ایران و عراق، از جمله «جاده دهلران-مه‌ران-ایلام» و «شهر مه‌ران» منجر شد.

عکس‌العمل رسانه‌های بیگانه پس از آزادسازی مه‌ران قابل ملاحظه بود. در حالی که دیوارهای شهر مه‌ران به نوشته «مه‌ران آزاد شد، قلب امام شاد شد»، مزین شده بود، ناظران خارجی انتظار نداشتند که عراق با وجود حجم انبوه تبلیغاتی که انجام داده بود، مه‌ران را از دست بدهد. «مرکز مطالعات استراتژیک لندن» در گزارشی اعلام کرد که کارشناسان نظامی در لندن معتقدند عملیات مه‌ران پدیده جدیدی را به وجود آورده که قابل بحث و بررسی است. پدیده به اسارت در آمدن بسیاری از افسران عالی رتبه ارتش عراق که در میان آنها فرمانده تپ و جانشین لشکر و فرمانده واحدهای مختلف ارتش هم هستند. بر اساس این گزارش، کارشناسان نظامی در لندن علت این اسارت‌ها را ایمان نداشتن افسران عالی رتبه و کارکنان و سربازان ارتش عراق به ادامه جنگ و بی‌بهبود انگاشتن ایستادگی در برابر نیروهای ایرانی می‌دانند.

«طایر عزیز» معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه عراق که نمی‌دانست این شکست مفتضحانه را چگونه در برابر خبرنگاران توجیه کند، در مصاحبه‌اش چیزی از شکست در مه‌ران نگفت و تنها از کشورهای دنیا خواست ایران را منزوی کنند و از مجهز کردن تهران به سلاح و تجهیزات نظامی خودداری کنند تا بدین وسیله تهران برای پایان جنگ و بازگشت صلح به منطقه تسلیم شود!

طواف دائم ملائکه

گود حرم حسین (ع)

این روایت در کافی شریف آمده

است که حضرت فرمودند بلایی که برای ائمه(ع) پیش می‌آید ناشی از جهالتشان نیست. نه اینکه امام(ع) نمی‌داند که اگر به کوفه حرکت کند چه اتفاقی می‌افتد، نه اینکه امیرالمؤمنین(ع) نمی‌دانند که اگر وارد صفین شدند پایان جنگ صفین حکمیت است، این را امام می‌داند، سیدالشهداء(ع) می‌داند که پایان قدم گذاشتن در این راه شهادت است. در این روایت فرمودند که اگر امام این امور را نداند که امام نیست! ولی اینکه پا به این میدان می‌گذارند این ابتلای الهی است و ترفیع درجه نیز محسوب می‌شود. اینطور نیست که ابتلای امام هم ناشی از العیاذبالله خطای ایشان باشد. برای ما این‌طور است. در روایات می‌فرماید معمولاً بلایی که برای شما پیش می‌آید ناشی از عمل خودتان هست «وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ آدِیْكُمْ»(شوری / ۳۰).

شخصی بر حضرت وارد شد و پایش به چارچوب گیر کرد و زمین خورد. حضرت فرمودند: «وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ آدِیْكُمْ». در صحنه ذکر دادند که این حادثه به خاطر خطای شما بود! به حضرت عرض کرد: اقا من چه خطایی کردم؟ حضرت فرمودند: بسبب‌الله نگفتی وقتی وارد شدی از خدا غفلت کردی، پایت را روی زمین گذاشتی خیال کردی زمین سفت است! پس خدای متعال زمینت زد! در روایت هم آمده است که اگر انسان بسبب‌الله نگوید، شرک خفی‌ای بر دلش می‌نشیند. خدای متعال در باب مؤمن برای اینکه این شرک در او باقی نماند این ابتلا را پیش می‌آورد و با این ابتلا او را تطهیر می‌کند.

به حضرت عرض کرد: اقا پس ماجرای سیدالشهداء چیست؟ «وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ مُّصِيبَةٍ» که مصیبتی بالاتر از مصیبت سیدالشهداء(ع) که نداریم! حضرت فرمود: آن ترفیع درجه است و ربطی به شما ندارد. این‌طور نیست که اگر ما خطا می‌کنیم و حادثه برایمان پیش می‌آید در باب معصوم هم همین‌طور باشد. معصوم فقط ترفیع درجه و به یک معنا شفاعت است. در واقع تحمل بلاست برای شفاعت و دستگیری.

در آینه تاریخ

□**حسین معینی** / جریان چپ را که امروز به «اصلاح‌طلبان» شهرت یافته‌اند، می‌توان جزء فعالان رسانه‌ای دهه ۱۳۷۰ دانست که کار خود را در دوران سازندگی با انتشار چند نشریه آغاز کردند و همین روند را با آغاز دوران دوم خرداد به اوج رساندند. پس از شکل‌گیری «جمع روحانیون مبارز» در سال ۱۳۶۶، این مجمع از داشتن رسانه‌ای مستقل و در اختیار بی‌بهره بود. مدتی به طول انجامید تا چند نشریه همسو با تفکر این مجمع فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کنند؛ عراق با وجود حجم انبوه تبلیغاتی که انجام داده بود، مه‌ران را از دست بدهد. «مرکز مطالعات استراتژیک لندن» در گزارشی اعلام کرد که کارشناسان نظامی در لندن معتقدند عملیات مه‌ران پدیده جدیدی را به وجود آورده که قابل بحث و بررسی است. پدیده به اسارت در آمدن بسیاری از افسران عالی رتبه ارتش عراق که در میان آنها فرمانده تپ و جانشین لشکر و فرمانده واحدهای مختلف ارتش هم هستند. بر اساس این گزارش، کارشناسان نظامی در لندن علت این اسارت‌ها را ایمان نداشتن افسران عالی رتبه و کارکنان و سربازان ارتش عراق به ادامه جنگ و بی‌بهبود انگاشتن ایستادگی در برابر نیروهای ایرانی می‌دانند.

«طایر عزیز» معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه عراق که نمی‌دانست این شکست مفتضحانه را چگونه در برابر خبرنگاران توجیه کند، در مصاحبه‌اش چیزی از شکست در مه‌ران نگفت و تنها از کشورهای دنیا خواست ایران را منزوی کنند و از مجهز کردن تهران به سلاح و تجهیزات نظامی خودداری کنند تا بدین وسیله تهران برای پایان جنگ و بازگشت صلح به منطقه تسلیم شود!

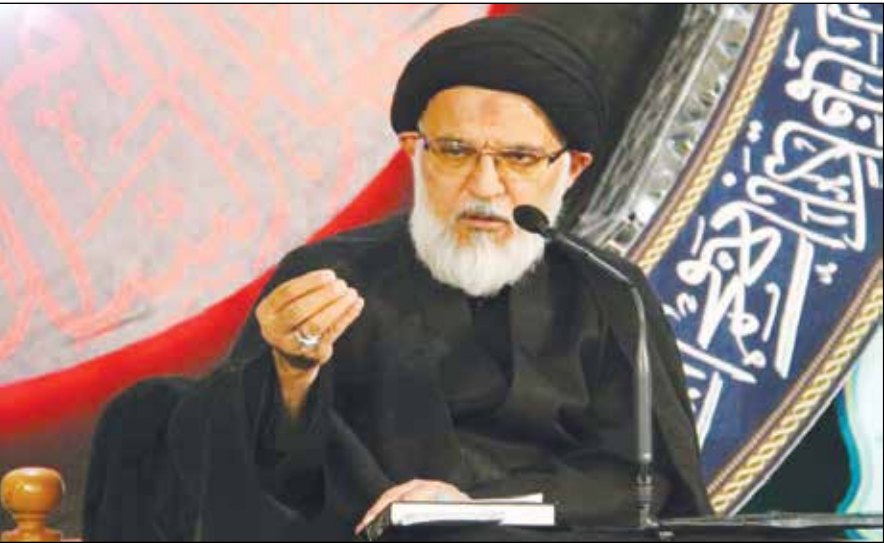
□**روزنامه جهان اسلام**: اواخر سال ۱۳۶۹ یک روزنامه دیگر به جمع مطبوعات کشور پیوست که به تیروهای چپ وابسته بود. روزنامه «جهان اسلام» با مدیریت «سیدهادی خامنه‌ای» که

بردها عملاً سخنگویی مجمع نیروهای خط امام در به‌عهده گرفت. سیدهادی خامنه‌ای هرچند عضو رسمی مجمع روحانیون نبوه ولی از نظر فکری-سیاسی می‌توان روزنامه جهان اسلام را رسانه جناح چپ، به ویژه مجمع روحانیون مبارز

«شهید آیت‌الله دستغیب» می‌گوید: «آنچه را که خدا تعالی از معارف و معرفت اسماء به حضرت آدم عنایت کرد به طور اتم و اکملش به حسین(ع) ارث رسید. خداوند آدم را مسجود ملائکه قرار داد و راه تقرب به خدا برای ملائکه سجده به آدم بود... اما نسبت به آقای ما حسین(ع) سید تمام ملائکه «حضرت جبرئیل» است که مشرف شد خدمت حسین(ع)... پس از شهادت حسین تمام ملائکه تقرب می‌جویند به خدا در طواف قبر حسین(ع). هیچ‌وقت این قبر شریف از ملائکه خالی نیست. دائماً قبر حسین(ع) مطاف ملائکه است.

حکمت ابتلای ائمه معصوم چیست؟

گفتاری از آیت‌الله سیدمحمدمهدی میرباقری



انتخاب شهادت

برای دستگیری از امت

در غروب عاشورا خدای متعال حضرت را مخیر فرمود بین شهادت و پیروزی و از مقام حضرت هم چیزی کم نشود. این سخن در این روایت می‌نماید: «وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ آدِیْكُمْ»(شوری / ۳۰). پایش به چارچوب گیر کرد و زمین خورد. حضرت فرمودند: «وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ آدِیْكُمْ». در صحنه ذکر دادند که این حادثه به خاطر خطای شما بود! به حضرت عرض کرد: اقا من چه خطایی کردم؟ حضرت فرمودند: بسبب‌الله نگفتی وقتی وارد شدی از خدا غفلت کردی، پایت را روی زمین گذاشتی خیال کردی زمین سفت است! پس خدای متعال زمینت زد! در روایت هم آمده است که اگر انسان بسبب‌الله نگوید، شرک خفی‌ای بر دلش می‌نشیند. خدای متعال در باب مؤمن برای اینکه این شرک در او باقی نماند این ابتلا را پیش می‌آورد و با این ابتلا او را تطهیر می‌کند.

به حضرت عرض کرد: اقا پس ماجرای سیدالشهداء چیست؟ «وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ مُّصِيبَةٍ» که مصیبتی بالاتر از مصیبت سیدالشهداء(ع) که نداریم! حضرت فرمود: آن ترفیع درجه است و ربطی به شما ندارد. این‌طور نیست که اگر ما خطا می‌کنیم و حادثه برایمان پیش می‌آید در باب معصوم هم همین‌طور باشد. معصوم فقط ترفیع درجه و به یک معنا شفاعت است. در واقع تحمل بلاست برای شفاعت و دستگیری.

پس از شهادت حسین تمام ملائکه تقرب می‌جویند به خدا در طواف قبر حسین(ع). هیچ‌وقت این قبر شریف از ملائکه خالی نیست. دائماً قبر حسین(ع) مطاف ملائکه است.

□**حسین معینی** / جریان چپ را که امروز به «اصلاح‌طلبان» شهرت یافته‌اند، می‌توان جزء فعالان رسانه‌ای دهه ۱۳۷۰ دانست که کار خود را در دوران سازندگی با انتشار چند نشریه آغاز کردند و همین روند را با آغاز دوران دوم خرداد به اوج رساندند. پس از شکل‌گیری «جمع روحانیون مبارز» در سال ۱۳۶۶، این مجمع از داشتن رسانه‌ای مستقل و در اختیار بی‌بهره بود. مدتی به طول انجامید تا چند نشریه همسو با تفکر این مجمع فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کنند؛ عراق با وجود حجم انبوه تبلیغاتی که انجام داده بود، مه‌ران را از دست بدهد. «مرکز مطالعات استراتژیک لندن» در گزارشی اعلام کرد که کارشناسان نظامی در لندن معتقدند عملیات مه‌ران پدیده جدیدی را به وجود آورده که قابل بحث و بررسی است. پدیده به اسارت در آمدن بسیاری از افسران عالی رتبه ارتش عراق که در میان آنها فرمانده تپ و جانشین لشکر و فرمانده واحدهای مختلف ارتش هم هستند. بر اساس این گزارش، کارشناسان نظامی در لندن علت این اسارت‌ها را ایمان نداشتن افسران عالی رتبه و کارکنان و سربازان ارتش عراق به ادامه جنگ و بی‌بهبود انگاشتن ایستادگی در برابر نیروهای ایرانی می‌دانند.

تولد مطبوعات چپ در دوران سازندگی



دانست. این روزنامه در بهمن ماه ۱۳۷۳ پس از انتشار گفت‌وگویی از علی‌اکبر محتمشی، برای همیشه توقیف شد.

□**روزنامه سلام**: بی‌شک این روزنامه را می‌توان ارگان مجمع روحانیون مبارز دانست که اولین پیش‌شماره آن

در روز ۱۳۶۹/۱۱/۲۰ به مدیر مسئولی «سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها» منتشر شد. روزنامه «سلام» زمانی منتشر شد که خوئینی‌ها ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری را برعهده گرفته بود. «سلام» در آن سال‌های اول در همان مرکز تحقیقات استراتژیک نیز منتشر می‌شد. در آن واقع بود. در این زمان تحولاتی در مدیریت «کیهان» رخ داد و کسانی که همراه با سیدمحمد خامی از آن بیرون آمده بودند، به دنبال جایی بودند که باز دیگر فعالیت خود را از سرگیرند. گروهی از آنان مجله «کیان» را راه‌اندازی کردند و گروهی نیز راهی «سلام» شدند. برخی از اعضای سابق سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز که به آramی

«شهید آیت‌الله دستغیب» می‌گوید: «آنچه را که خدا تعالی از معارف و معرفت اسماء به حضرت آدم عنایت کرد به طور اتم و اکملش به حسین(ع) ارث رسید. خداوند آدم را مسجود ملائکه قرار داد و راه تقرب به خدا برای ملائکه سجده به آدم بود... اما نسبت به آقای ما حسین(ع) سید تمام ملائکه «حضرت جبرئیل» است که مشرف شد خدمت حسین(ع)... پس از شهادت حسین تمام ملائکه تقرب می‌جویند به خدا در طواف قبر حسین(ع). هیچ‌وقت این قبر شریف از ملائکه خالی نیست. دائماً قبر حسین(ع) مطاف ملائکه است.

حکمت ابتلای ائمه معصوم چیست؟

گفتاری از آیت‌الله سیدمحمدمهدی میرباقری

بلا بلایی هست که هم ضیافت خاص است هم شفاعت و دستگیری از امت.

زینت کردن زمین برای امتحان‌بندگان

پس آغاز سوره کیف این است که خدای متعال می‌فرماید: حمد از آن خدایی است که این کتاب را بر عبد خودش نازل کرد؛ کتابی که هیچ انحرافی در آن نیست، کتابی که قیم است و در آن انذار و بشارت وجود دارد. بعد می‌فرماید: «فَلَعَلَّكَ بَاقِعُ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنَّ لِمَ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْخَبِيثِ اثْنًا»(کهف/ ۶). پیامبر ما شاید شما نفس خودت را می‌خواهی هلاک کنی که اینها ایمان نمی‌آورند!

این عبد مطلق خدا آمده با این کتابی که خدای متعال خودش را بر نزول آن حمد می‌کند(خیلی کار، کار مهمی است) اما اینها ایمان نمی‌آورند؛ پس دیگر به چه می‌خواهند ایمان بیاورند؟ محسوس می‌خواهند وارد راه بشوند؛ شما می‌خواهی خودت را در معرض هلاکت قرار دهی، اقتدر به خودت سخت‌گیری می‌کنی که اینها ایمان نمی‌آورند و تلاش می‌کنی و از خودت مایه می‌گذاری که اینها ایمان بیاورند! بعد خدای متعال از یک سنتی حکایت می‌کند و می‌فرماید اگر اینها ایمان نمی‌آورند اشکال ندارد «ثُمَّ جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَهُمْ أَمْثَلٌ خَيْرًا»(کهف/ ۸-۷). این سنت هست؛ برای امام که این بحث‌ها نیست مثل اینکه آدم بگوید دست خدای متعال بسته است. این را درباره خدای متعال هم می‌شود گفت. خدای متعال می‌دانست و سیدالشهدا(ع) را در وادی بلای عاشورا انداخت؛ پس اگر خدای متعال می‌داند و با فرض دانستن رقم می‌زند هیچ اشکال ندارد که امام هم بداند. امام می‌داند تدبیر خدا این است و به دنبال تدبیر خدا می‌رود. مقاتل نقل می‌کنند که به

حضرت عرض کردند: نروید! حضرت فرمود: جدم فرمود: «قَدْ شَأَ أَنْ يَرَاكَ فَتَيْلًا»، گفتند: لاقال با خودتان اهل بیت را نبرید، فرمودند: «قَدْ شَأَ أَنْ يَرَاهُمْ شَبَابًا»، خدا خواسته اینها به اسارت برسند؛ البته عرض کردم این

mirbaqeri.ir

شمس الواعظین» که «کیهان فرهنگی» را مدیریت می‌کرد، از آنجا جدا شده و ماهنامه‌ای را شکل دادند که «کیان» نام گرفت. اولین شماره آن در آبان ۱۳۷۰ منتشر شد و در حوزه مسائل فکری، فرهنگی و سیاسی فعالیت می‌کرد.

ایمن ماهنامه از گان محفلی بود که با عنوان «حلقه کیان» مشهور شد و بر محور اندیشه‌های «دکتر عبدالکریم سروش» شکل گرفت. این ماهنامه و محفل پشت سر آن هرچند از خاستگاه متفاوتی نسبت به جریان چپ برخوردار بوده ولی گردش روزگار سرنوشت دیگری را برای این دو رقم زد و بعد از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ این دو را در انتلافی در کنار هم قرار داد. بی‌شک، تغییر و تحول بخشی از طیف چپ به سوی لیبرالیسم و گرایش‌های راستگرایانه را باید نتیجه این انتالف دانست.

□**دوهفته‌نامه عصرما**: دوهفته‌نامه «عصرما» را باید آخرین حلقه این مجموعه دانست که در دوران فترت جریان چپ در ۱۳۷۲/۷/۱۰ با تأخیر دو سه ساله از دیگر مطبوعات جریان چپ آغاز به کار کرد. این رسانه از گان رسمی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و با مدیر مسئولی «محمد سلامتی» و سردبیری «حسن آرمین» اداره می‌شد. این هفته‌نامه که ارگان سازمان مجاهدین به حساب می‌آمد، نشریه کاملاً سیاسی-جناحی بود و عمیق‌ترین تحلیل‌های اردوگاه چپ در این نشریه منتشر می‌شد. سال‌ها بعد در آذر ماه ۱۳۸۰ «عصر ما» به حکم دادگاه انقلاب تعطیل شد و محمد سلامتی، مدیر مسئول آن، به ۲۶ ماه زندان محکوم شد.

□**دیگر مطبوعات**: در همین دوران مطبوعات جدید دیگری شکل گرفتند که البته در طیف چپ قرار نمی‌گیرند، ولی نماینده جریان‌های فکری دیگری هستند که بعدها کم و بیش با جریان به همگرایی رسیدند. ماهنامه «ایران فردا» به مدیر مسئولی «عزت‌الله سبحانی» از اعضای همسو با نهضت آزادی که در تابستان سال ۱۳۷۱ منتشر شد؛ «روزنامه همشهری» با مدیر مسئولی «لامحسین کربابچی»، شهرک تهران، در تاریخ ۱۳۷۱/۹/۸ بیرون آمد که از حامیان دولت سازندگی بود.

صادق

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص

ص



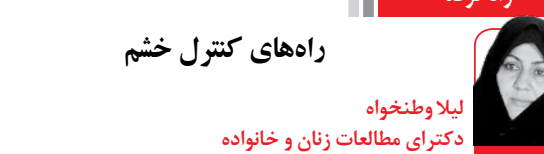
زندگی

مرز باریک دخالت و دلسوزی

▣ **محبوبه ابراهیمی /** دخالت در زندگی دیگران موضوع تازه‌ای نیست. همیشه آدم‌هایی هستند که از اظهارنظر در زندگی اطرافیان لذت می‌برند؛ از رنگ لباس و نوع تغذیه و ظاهر دیگران گرفته تا چیدمان خانه و سبک زندگی و خصوصی‌ترین مسائل زندگی آنها. تا جایی که اظهارنظرهای بی‌جا به بخشی از زندگی آنها تبدیل شده و به عنوان عادتی در رفتارهای‌شان شناخته می‌شود و به نظر می‌رسد قادر به ترک آن نیستند؛ در حالی که دیگران نه تنها از این رفتار لذتی نمی‌برند، بلکه حتی از آن رنج برده و دلزده و اندوهگین می‌شوند. در واقع این رفتار آزاردهنده منشأ بسیاری از درگیری‌ها، اختلافات و حتی قطع روابط دوستانه می‌شود. حتی می‌تواند خطری تهدیدکننده برای روابط خانوادگی باشد و به فروپاشی این روابط خانوادگی منجر شود؛ برای نمونه از دیرباز یکی از عوامل اختلاف زوج‌ها با خانواده همسران‌شان، دخالت‌های نابجای والدین بوده و حتی بسیاری از کارشناسان مسائل اجتماعی، آن را یکی از عوامل طلاق زوج‌های جوان معرفی می‌کنند. آمارهای رسمی نیز این مسئله را تأیید می‌کنند که مداخله نابجای بزرگ‌تراها زمینه ناسازگاری و بحث و مشاجره همسران را فراهم می‌کند و در نهایت به طلاق آنها منجر می‌شود؛ این عادت نادرست، همواره در روابط دوستانه و خانوادگی خود را نشان می‌دهد و آثار و پیامدهایش را بر جا می‌گذارد؛ البته برخی از این افراد، نادرستی رفتار خود را هم نمی‌پذیرند و مدعی هستند دلسوزی و تلاش برای بهبود زندگی دیگران، دلیل اظهارنظرشان است؛ اما نباید مرز میان دلسوزی و دخالت را نادیده گرفت. دلسوزی زمانی درست و مؤثر است که خود فرد تقاضای کمک دارد و برای یافتن سبک درست زندگی یا بهبود روش زیستن یا حل مشکلات، تقاضای کمک و مشاوره دارد. دخالت در این گونه مواقع، کاری شایسته و پسندیده است که عمدتاً به بهبود وضعیت زندگی افراد منجر می‌شود؛ اما مداخله نادرست و ناپسند، زمانی رخ می‌دهد که بدون درخواست فرد و تنها از روی صلاح‌دید شخصی اتفاق می‌افتد؛ زمانی که فرد بدون توجه به اینکه روش زندگی انسان‌ها به دلایل مختلفی نظیر تفاوت دیدگاه‌ها، اختلافات فرهنگی، سلاطق، علایق و هزاران عامل دیگر، دارای تفاوت است. به زعم خودش، راه درست زیستن را به آنها نشان می‌دهد. دخالت دقیقاً در مواقعی رخ می‌دهد که فرد بدون توجه به تفاوت‌ها تصور می‌کند صاحب بهترین دانسته‌ها، رفتار و کردار است و خود را مجاز و موظف می‌داند که شیوه خود را تعمیم داده و به عنوان الگویی موفق به اطرافیان نشان دهد!

دخالت، ورود به حریم شخصی افراد است و پیامدهای منفی و ویرانگری به همراه دارد؛ تولید احساسات منفی در دیگران و فاصله گرفتن آنها از فرد دخالت‌گر یکی از عمده‌ترین این آسیب‌هاست. در متون دینی ما این ردّیله اخلاقی نهی شده و پیامدهای منفی مانند از دست دادن دوستان برای آن ذکر شده است؛ البته اسلام دعوت به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها را پسندیده و مطلوب می‌داند و به عنوان تعهدی اجتماعی بر آن تأکید دارد؛ اما دخالت‌های شخصی در زندگی افراد را ناپسندیده و مذموم می‌داند. این تأکیدات نشان‌گر آن است که باید از دخالت در حریم زندگی افراد بپرهیزیم و آرامش روانی دیگران و محبوبیت و دوستی‌های خود را پایمال این رفتار آزاردهنده و پرخطر قرار ندهیم. لازم است افراد با شناخت مرز باریک دلسوزی و دخالت، از وارد شدن به حریم دیگران فاصله بگیرند و بازخوردهای منفی آن را از خود دور کنند. تداوم و جدیت در این تلاش سبب می‌شود به خوبی بیاموزند که همواره روی خط زندگی خود حرکت کنند و در تمام شئون زندگی از مداخله و اظهارنظرهای بی‌جا بپرهیزند؛ حتی در زندگی ناشسویی خود از سرکشی به امور شخصی همسر اجتناب کنند و حریم و او را محترم بشمارند. در اجتماع نیز، با سبک زندگی اطرافیان اعلام مخالفت نکنند و به قول معروف مسئول رفتارها و عملکرد خود باشند. از سوی دیگر، افرادی که در معرض آسیب‌های این خصلت منفی هستند و همواره از دخالت اطرافیان رنج می‌برند نیز باید برای در امان ماندن از این رفتار پرخطر تلاش کنند. یکی از بهترین راه‌حل‌های رهایی از این معضل، کسب مهارت کنترل گفت‌وگو با اطرافیان است؛ برای نمونه وقتی فرد در گفت‌وگوهایش همواره از زندگی ابراز نارضایتی می‌کند یا از رفتارهای همسر و فرزندان کله دارد و از بیماری‌ها و دردهای جسمی شکایت می‌کند، این تصور را در دیگران ایجاد می‌کند که به مشورت آنها احتیاج دارد و در نتیجه زمینه دخالت را برای آنها فراهم می‌کند؛ در حالی که حس رضایتمندی یکی از عواملی است که مانع مداخله‌گری و اظهارنظرهای غیرمنطقی و بی‌جا می‌شود. برای داشتن زندگی آرام و دلنشین، به خودمان اجازه دخالت در زندگی دیگران را ندهیم و زندگی‌مان را نیز از تیررس اظهارنظرهای بی‌جا برهانیم.

راه نرفته



لیلا وطنپورخواه

دکترای مطالعات زنان و خانواده

پرسش: سلام متأسفانه نمی توانم عصبانیت و خشم خود را کنترل کنم؛ لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ: خشم و عصبانیت نوعی احساس و هیجان روحی است که اغلب بر اثر واکنش شخص نسبت به رفتار ناشایست دیگران بروز می‌کند و فرد را در موقعیت‌های گوناگون در گیر خود خواهد کرد.

در صورتی که عکس‌العمل‌تان به چنین شرایطی با عصبانیت یا خشم شدید باشد، پیام احساس‌تان هیچ‌گاه به طرف مقابل نخواهد رسید.

ولی به جای سرکوب کردن آن، باید به فکر شیوه‌های کنترلش باشیم؛ مدیریت خشم از آنچه فکشر را می‌کنید، ساده‌تر است. برخلاف تصور عمومی خشم احساسی عادی و سالم است؛ اما وقتی ناسالم می‌شود که مدام بروز پیدا کرده یا کنترل اوضاع از دست‌ان‌مان خارج شود. با توجه به اینکه خشم و عصبانیت، پیامدهای بسیار خطرناکی دارد، باید بیاموزیم در این مواقع چطور برخورد کنیم:

۱- بیان کردن: بیان احساس خشم به صورت تأکیدی و نه تهاجمی، سالم‌ترین راه بیان عصبانیت است. بیان یک موضوع با تأکید به معنای محترم شمردن خود و دیگران است.

۲- کنترل خشم: کنترل خشم یعنی جلوی آن را گرفته و به رفتاری سازنده‌تر تبدیل کنیم. خطر این مرحله این است که اگر اجازه بیان خارجی به خشم داده نشود، خشم به درون‌مان متوجه شده و ممکن است سبب آسیب جسمی و روحی شود.

۳- آرام‌سازی: آرام‌سازی یعنی نه فقط رفتار خارجی خود را کنترل کرده، حتی واکنش‌های درونی خود را نیز کنترل کنیم و گام‌هایی در جهت پایین آوردن شدت خشم برداشته، خود را آرام کنیم تا احساسات فروکش کنند.

طرح پرسش: ۳۳-۹۹۰۰۳۰۰۰

«ان‌جی‌او»های غیرقانونی

دوشنبه۲۵ شهریور ۱۳۹۸ سال نوزدهم شماره ۹۱۳



سال‌های نه‌چندان دور،

که شاید به دهه پیش هم نرسد، برنامه‌هایی برای ایام سوگواری سالار شهیدان تدارک دیده می‌شد که سرشار از معرفت بود و می‌توانست بسیاری از خلأهای موجود در این باره را پر کند؛ از نشان دادن تصاویر کربلا از سوی «کاظم احمدزاده» تا تولید مستندهایی درباره امام حسین(ع) که در آن علمای شیعه و سنی و حتی دانشمندان مسیحی به واقعه کربلا می‌پرداختند و سبب درک بیشتر از این‌ا واقعه عظیم می‌شدند؛ البته همیشه تدارک صدا و سیما تنها به تولید برنامه محدود نمی‌شد، بلکه در سال‌هایی دورتر تولید سریال‌هایی مرتبط با عزاداری سالار شهیدان مانند «شب دهم» نیز رنگ و بوی محرمی را به قاب جادویی می‌داد؛ حتی سریال‌هایی ویژه نوجوانان در این رابطه ساخته و در زمان برنامه‌های مخصوص به آنها پخش می‌شد که نوجوانان را به حضور در مراسم و هیئت تشویق می‌کرد؛ اما در دو سه سال گذشته برنامه‌های عزاداری تلویزیون به قالب‌ها و فرم‌های خاصی محدود شده است. نشان دادن بخش‌هایی

از مراسم عزاداری و سینه‌زنی در ساعات متعدد روز، برنامه متداول این سال‌ها بوده است؛ البته نمی‌توان به این کار خرده گرفت؛ زیرا هم برای شناخت بیشتر از مجالس خوب است و هم حال و هوای محرم و عزاداری را به خوبی درون خانه‌های‌مان می‌آورد؛ اما این‌ موضوع به تنهایی کافی نیست و باید برنامه‌های معرفتی بیشتری درباره عزاداری سالار و سرور شهیدان پخش شود. همان

کارها سال به سال کم‌رنگ‌تر شده است و می‌توان این نقد را بر رسانه ملی وارد کرد که برنامه‌ها مانند گذشت چارچوب فکری و معرفتی محکمی ندارد و هیچ قالب جدید و خلاقانه‌ای در آنها به کار برده نمی‌شود. سید خالی تلویزیون برای

سریال‌های ویژه محرم، از دیگر نقدهایی است که به سیما وارد است؛ به گونه‌ای که مجبور است بارها و بارها سریال‌های تکراری و متعلق به سال‌های دور را پخش کند؛ سریال‌هایی مانند «معصومیت از دست رفته»، «هختارنامه» یا «شب دهم».

سال گذشته باشگاه خبرنگاران جوان در گزارشی نوشت: «رسانه ملی

نظام آموزش و پرورش در شش سالگی دولت چه وضعیتی دارد؟

رفت و آمدهای سیاسی

«محمود عزیزی» بازیگر پیشکسوت با تأکید بر اینکه «ما چند نهاد مانند خانه سینما، خانه تئاتر، خانه موسیقی و تجسمی داریم که غیر قانونی هستند و به‌صورت قانونی از آنها حمایت نمی‌شود»، گفت: «این نهادها تنها ان‌جی‌اوهایی هستند که به عنوان یک سرگرمی برای اعضای هنری خود عمل می‌کنند، بودجه‌ای هم می‌گیرند و گاه اتفاق‌هایی هم می‌افتد؛ ولی واقعیت این است که درسرساز شده‌اند.»

از مسائل و فرصت‌ها و تهدیدها روبه‌روست. **سال‌های خاص برای آموزش و پرورش** به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت، نظام آموزش و پرورش کشورمان در شش سال اخیر که دولتی با اسم و رسم خاص عهده‌دار اداره امور شده، بیش از قبل درگیر چالش‌هایی شده است که از سال‌ها پیش آن را رنج می‌دهد؛ درست مانند سال‌های حاکمیت دولت اصلاحات که همین چالش‌ها بیش از هر زمانی دامن‌گیر نظام تعلیم و تربیت بود. از سیاسی شدن آموزش و پرورش گرفته تا بی‌توجهی مزمن به مشکلات بودجه‌ای و ساختاری آن، از بی‌مهری به نظام تربیت معلم و بستر آن یعنی دانشگاه فرهنگیان گرفته تا آمد و رفت مکرر مدیران ارشد، همگی سبب شده تا نظام آموزش و پرورش بیش از قبل دچار تابلطم شود، به ویژه اینکه حالا با آمدن چهارمین وزیر، دولت روحانی رکورددار تغییر وزرا در حساس‌ترین وزارتخانه کشور در میان دولت‌های بعد از انقلاب شده است.

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ و در شرایطی که نظام آموزش و پرورش از چند سال قبل از آن وارد پروژه حساس «تحول بنیادین» شده بود و با همه ضعف‌ها و قوت‌ها کار در آن زمان در این مسیر قرار گرفته بود، وی در ابتدا محمدعلی نجفی را به عنوان گزینه پیشنهادی برای این وزارتخانه به مجلس معرفی کرد؛ چهره‌ای که به دلیل سوابق منفی‌اش در فتنه ۸۸ و برخی دیدگاه‌های خاص سال‌های اخیرش نتوانست اعتماد مجلس را جلب کند؛ به همین دلیل، این صندلی به «علی‌اصغر فانی» رسید و وی به مدت سه سال و چند ماه بر این کرسی نشست، تا اینکه در ماه‌های پایانی دولت یازدهم و در

«محمود عزیزی» بازیگر پیشکسوت با تأکید بر اینکه «ما چند نهاد مانند خانه سینما، خانه تئاتر، خانه موسیقی و تجسمی داریم که غیر قانونی هستند و به‌صورت قانونی از آنها حمایت نمی‌شود»، گفت: «این نهادها تنها ان‌جی‌اوهایی هستند که به عنوان یک سرگرمی برای اعضای هنری خود عمل می‌کنند، بودجه‌ای هم می‌گیرند و گاه اتفاق‌هایی هم می‌افتد؛ ولی واقعیت این است که درسرساز شده‌اند.»

نگاهی به دستان نیمه‌خالی صدا و سیما در برنامه‌های تولیدی محرم ۱۳۹۸

رسانه ملی می‌توانست بهتر عمل کند

هر ساله بیشترین محور تولیدات خود را بر اشاعه فرهنگ، معارف و شعائر حسینی معطوف کرده بود؛ فرهنگی که در قالب سریال و ویژه برنامه‌ها جای می‌گرفت؛ اما امسال برنامه صدا و سیما برای ترویج شاعر و معرفت حسینی با حضور واعظان، مداحان و چهره‌های برجسته کشوری و مردمی بوده است که در فواصل مختلف در جدول پخش قرار گرفته است.»

سیدنیمه‌خالی

این سیاست سبب شد تا بسیاری از رسانه‌ها از جدول پخش محرمی تلویزیون در سال ۱۳۹۷ انتقاد کنند و آن را ضعیف بدانند؛ برنامه‌ریزی‌ای که دیگر در آن از هیچ سریال فاخر مرتبط با عزاداری سالار شهیدان(ع) خبری نبود؛ اما به نظر می‌رسد انتقادات سال گذشته مؤثر نبوده و امسال نیز مدیران صدا و سیما همان سیاست را در پیش گرفته‌اند؛ با این تفاوت که آنچه امسال و تاکنون در ایام سوگواری ابا عبدالله الحسین(ع) از رسانه ملی نشان داده شده، گویای این است که سید رسانه ملی از سال گذشته نیز خالی‌تر است؛ در حالی که در طرف مقابل دشمنان هر روز با برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی بیشتر تلاش می‌کنند با طرح موضوعات بی‌اساس و بی‌پایه ذهن‌ها را به خود مشغول کنند؛ بنابراین روا نیست در این شرایط جدول پخش صدا و سیما خالی از برنامه‌های معرفتی جذاب و مخاطب پسند باشد.

رسانه ملی کشور شیعی موظف است در این باره کارهای جدی‌تر کند و تولیدات فاخرتری داشته باشد؛ به عبارت دیگر تولید سریال‌هایی مانند «معصومیت از دست رفته» یا «شب دهم» سخت نیست و تنها به عزم مدیران و مسئولان و دعوت آنان از هنرمندان برای ساخت چنین مجموعه‌هایی نیاز است.

پس از استعفای بطحایی، روحانی در اقدامی عجیب سیدجواد حسینی را که از سیاسی‌ترین و حاشیه‌ای‌ترین مدیران استانی آموزش و پرورش بود، به عنوان سرپرست منصوب کرد و پس از سه ماه، در روزهای پایانی مهلت قانونی سرپرستی، «محسن حاجی‌میرزایی» دبیر هیئت دولت را برای وزارت به مجلس معرفی کرد؛ چهره‌ای که بیش از ۲۰ سال است در آموزش و پرورش حضور نداشته؛ اما باز به لطف مجلس همسو با اصلاح‌طلبان و دولت مدعی اعتدال، او نیز توانست با ۲۰۰ رأی به عنوان چهارمین وزیر راهی ساختمان شهید رجایی وزارت آموزش و پرورش شود.

حال و روز آموزش و پرورش و چند پرسش حالا و در شرایطی که دولت موسوم به تدبیر و امید، طی شش سال چهار وزیر و دو سرپرست را به نظام آموزش و پرورش آورده و برده، این پرسش‌ها ذهن فعالان این حوزه را مشغول کرده که آخر این مسیر قرار است به کجا ختم شود؟ آیا دولت روحانی این حقیقت را باور خواهد کرد که نظام تعلیم و تربیت، کانون تحولات مثبت و منفی در جامعه است و باید به طور ویژه به آن نگاه شود؟ آیا در شرایطی که رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به سیاسی شدن آموزش و پرورش هشدار داده و آن را «سم مهلک» خوانده‌اند، این رفت و آمدهای رفتاقی و سیاسی به حساس‌ترین وزارتخانه دولت، تمام خواهد شد؟

از همه اینها مهم‌تر، «دانشگاه فرهنگیان» که قرار بود با احیاء و ارتقاء نظام تربیت معلم، نیروهای انسانی کارآمد، متخصص و متعهد را برای امروز و فردای مدارس تأمین کند، در کجای معادلات مدیران دولت و وزارت آموزش و پرورش قرار دارد؟ و دهها سؤال دیگر از این جنس که پرداختن به هرکدام از آنها بحث مفصلی می‌طلبد، اما از پاسخ دولتمردان به این سؤالات نمی‌توان چشم‌پوشی کرد، چراکه نسل آینده حتما در این باره قضاوت خواهد کرد.

یادداشت

رسانه ملی و راه نرفته

▣ **ندا کرمانشاهی /**

تلویزیون پس از مدت‌ها سریالی با موضوع تاریخ معاصر را به کارگردانی «پرویز شیخ‌طادی» در جدول پخش خود قرارداد و با استقبال خوب مخاطبان همراه شد. سریال «بانوی سردار» برشی کوتاه و گویا از زندگی و مبارزات «بی‌بی مریم بختیاری» بانوی مبارز و آزاده ایرانی بود که داستان آزادخواهی و مبارزات ضد انگلیسی و ضدروسی‌وی در دوران سسلطه قاجار و پهلوی، به منزله برگی درخشان از وطن‌پرستی و رشادت‌های قوم بختیاری در تاریخ معاصر ثبت شده است. این زن مبارز و مسلمان، با داشتن چنین روحیه‌ای، فرزندی همچون «علیمردان‌خان بختیاری» را در دامن خود پرورش داد که او نیز در راه مبارزه با استبداد رضاخانی و دخالت‌های اجنبی در سرنوشت کشورمان، کم نگذاشت و در آخر نیز، جانش را در این مسیر گذاشت و در بیدادگاه رضاخان اعدام شد.

رهبر معظم انقلاب، اسفندماه سال ۱۳۹۲ در تجلیل از شخصیت علیمردان‌خان بختیاری، به نقش تربیتی مادرش «بی‌بی مریم» اشاره کرده و گفتند: «هادر او- بی‌بی- ضد انگلیسی و ضد بیگانه بوده؛ واقعا این هم نشان‌دهنده این است که چگونه تربیت مادر، شخصیت فرزند را اصلاً شکل می‌دهد؛ یعنی این مادر توانست این بچه را این‌جور بار بیاورد که یک شخصیت برجسته‌ای بشود. تجلیل از شخصی مثل علیمردان‌خان و مادر او و شخصیت‌هایی از این قبیل که مبارزه کردند با استبداد و با رضاخان و با سلسله پهلوی، کار شایسته‌ای است.»

حالا صدا و سیما با پرداختن به مقطعی از زندگی و مبارزات این چهره مبارز و بانوی مسلمان، قدمی مثبت در بازگشایی برگ‌های کمتر روایت‌شده تاریخ مبارزات ضد استعماری مردم ایران در یک و نیم قرن اخیر برداشته است؛ اما آیا این قدم مثبت و قابل تقدیر، به تنهایی کافی است؟ پاسخ حتماً منفی است و واقعیت هم این است که با وجود کارهای خوب و ماندگاری که در حدود ۲۰ سال اخیر برای بازخوانی تاریخ معاصر در سریال‌های تلویزیونی انجام شده، اما هنوز راه‌های نرفته بسیاری باقی است و جا دارد رسانه ملی برنامه جامع و دقیق‌تری برای پرداختن به این مسئله داشته باشد و مصمم‌تر از گذشته این مسیر را طی کند؛ تجربه هم نشان داده است تولید آثار حرفه‌ای و فاخر با این مضمون، با استقبال خوب مردم مواجه شده و در خاطره آنها می‌ماند.

از حدود ۲۰ سال پیش تاکنون، سریال‌هایی مانند «کیف انگلیسی»، «هادر صفر درجه»، «در چشم باد»، «تبریز در مه»، «کلاه پهلوی» و «معمای شاه» در شبکه‌های مختلف سیما به نمایش درآمد و با وجود نقاط ضعف و قوت هر یک از آنها در محتوا یا ساختار، اما در مجموع نمره خوب و قابل قبولی از مردم و کارشناسان دریافت کرده و ماندگار شده‌اند. با چنین کارنامه‌ای این شدن حرکت رسانه ملی در این مسیر مُضر خواهد بود. این ضرر و خلأ وقتی بیشتر احساس می‌شود که به فضای مجازی و شبکه‌های ضد انقلاب نگاهی بیندازیم و ببینیم جریان‌های رسانه‌ای دشمن، چطور تلاش می‌کنند تا سلاطین قاجار و پهلوی را به مدد کم‌اطلاعی مخاطبان تظهير کرده و حقایق تاریخی را وارونه جلوه دهند. در چنین شرایطی، وظیفه رسانه ملی برای ساخت آثار تاریخی فاخر، عمیق و جذاب به ویژه سریال‌هایی که ناگفته‌ها یا کمتر گفته‌های دوران حاکمیت سلسله‌های قاجار و پهلوی را به تصویر بکشد و واقعیت‌ها را بیان‌تر از گذشته پیش روی مردم

و به ویژه نسل جوان قرار دهد، به مراتب سنگین‌تر از قبل است.



گپ و گفت

رتبه برتر کنگره شعر سپاه

رهبز فرزانه انقلاب حامی اصلی شعر آیینی است



□ **احسان امیری /** «حسن صیاد» سال گذشته به عنوان فرهنگیار شاعر در کنگره شعر سپاه در تبریز توانست حائز رتبه اول شود. در ادامه گپ‌وگفتی کوتاه با این پاسدار شاعر اهل استان البرز انجام داده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد.

✱ از سوابق هنری تان بگویید.

من شعر را از هفده سالگی شروع کردم.

از سال ۱۳۷۹ وارد سپاه شدم و الان جانشین ناحیه بسیج دانشجویی استان البرز هستم. در مجالس شعر آیینی هم حضور دارم و از استادان و دوستان شاعر دیگر بهره می‌گیرم. سال گذشته در تبریز در کنگره شعر سپاه رتبه اول را کسب کردم.

✱ **شاعران هر سال نیمه ماه رمضان و میلاد امام حسن مجتبی(ع) محضر رهبز معظم انقلاب در بیت ایشان شرفیاب می‌شوند، این حضور تا چه حد در اعتلای شعر تأثیر دارد؟**

حضرت آقا در بحث شعر از نظر ادبی و فنی در سطح بالا و جایگاه استادی قرار دارند؛ یعنی استادان بزرگی که به بیت رهبری می‌روند، از نظرات حضرت آقا استفاده می‌کنند. در واقع پشتیبانی و حمایتی که ایشان از شعر به ویژه شعر ارزشی و آیینی می‌کنند؛ قطعاً جریان نوینی راه انداخته است. این جریان با قوت پیش می‌رود و مدیون پشتیبانی حضرت آقااست و حضور در محضر ایشان و شعرخوانی بهترین مشوق است. خود ایشان هم می‌فرمایند، از دوران طبلگی و از همان اوایل جوانی در انجمن‌های شعر شرکت داشته‌اند.

✱ **شاعران در تراز انقلاب اسلامی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟** شاعران در تراز انقلاب اسلامی باید با اصول انقلاب آشنا بوده و دغدغه‌مند باشند. همچنین نسبت به اصول انقلاب حساس باشند و شعرشان اثرگذار و در راستای انقلاب اسلامی باشد. شعری که اثر نداشته باشد، به نظر من یک شعر خشنی است و گفتن و نگفتن آن چندان تفاوتی ندارد. شاعران انقلاب باید به تبیین اهداف انقلاب و ترویج شعارهای آن کمک کنند.

✱ **سپاه تا چه حد می‌تواند از ظرفیت فرهنگیارانی، مانند شما استفاده کند؟**

به نظر من سپاه از این ظرفیت به خوبی استفاده نکرده است؛ البته اقداماتی برای شناسایی فرهنگیاران شده است؛ ولی صرف شناسایی نمی‌تواند مثرترم‌ر باشد و وقتی فایده دارد که محصول هم بدهد. سپاه پاسداران هنرمندان زیادی دارد که می‌توان آنها را بهتر سازماندهی کرد و به جای اینکه از بیرون سازمان نیروهای بیایورند، از ظرفیت داخلی خودشان استفاده کنند؛ اما آنطور که باید تاکنون استفاده نشده و شاید نیاز باشد افزون بر سازماندهی و شناسایی، اقدامات دیگری برای استفاده از پاسداران هنرمند صورت گیرد. در حال حاضر، برنامه‌های سپاه را مجریان پاسدار اجرا می‌کنند، چه خوب است که دیگر برنامه‌های فرهنگی و هنری را هم خود پاسداران اجرا کنند که هم انگیزه داشته باشند و هم حمایت شوند. شما هم در صبح صادق می‌توانید به جای استفاده از اشعار شاعران بیرون سپاه از اشعار پاسداران شاعر که در بین آنها شاعران بنام و صاحب آثار خوبی هستند، استفاده کنید. در کنار این بسیاری از آثار انقلابی که مداحان می‌خوانند، شعرانش پاسدارند و عده‌ای از آنها جزء رتبه‌های برتر کنگره شهر هستند.

روی خط

مبلغ یارانه حکمت کارت خیلی کم است

۸۵۱۳/۰۹۱۰۰۰۰ پس از گذشت چند ماه از مسابقه «من و کتاب» خبری از اهدای جایز نیست. گویا قرار بود عبد غدیر جایز برندگان این مسابقه را اهدا کنند. ۹۸۷۴/۰۹۱۰۰۰۰ چرا بنیاد تعاون سپاه مراکز اقامتی خود را در مشهد، شمال و... یکپارچه نمی‌کند تا همه کارکنان از طریق سایت پاسدار امکان رزرو این اماکن را نداشته باشند؟ می‌توان سهمیه بازنستستانگان را هم لحاظ کرد؛ اما هنوز داریم با سیستم‌های قدیمی مدیریت می‌کنیم.

۶۰۵۵/۰۹۰۰۰۰۰ چرا تاکنون سود سهام بانک انصار واریز نشده است؟ خیلی‌ها سهام خود را نفروختند. ۳۶۷۴/۰۹۱۰۰۰۰ کجای یارانه نقدی حکمت نیروهای مسلح تحول ایجاد شد؟ چرا فکر اساسی برای این موضوع نمی‌شود؟

صبح صادق: منتظر پاسخ مدیر محترم سازمان اتکا هستیم.

۶۷۳۷/۰۹۱۰۰۰۰ از اقدام نیروی دریایی سپاه در محرومیت‌زدایی در بشارگرد تشکر می‌کنم. سپاه شماره حساب سراسری برای این طرح محرومیت‌زدایی بدهد! «حسین یزدانی‌گلوردی» از نکا ۲۸۲۸/۰۹۰۰۰۰۰ طرح باز یافت زباله در سپاه طرح بسیار خوبی است؛ اما هنوز برای کاغذهایی که به دلایل امنیتی در کاغذ خردکن امحا می‌شوند، طرحی نداریم که به نظرم لازم است در پادگان‌های بزرگ دستگاه کاغذ خمیر کن مستقر کرد و آنگاه خمیر کاغذ بازیافتی را فروخت.

۸۹۴۲/۰۹۱۰۰۰۰ چرا یارانه حکمت کارت با توجه به تعداد خانوار بیشتر نمی‌شود؟ ۵۳۵۹/۰۹۱۰۰۰۰ چرا ترفیع کارکنان با تأخیر چند ماهه داده می‌شود و معوقه آن هم پرداخت نمی‌شود؟

۹۷۸۹/۰۹۱۰۰۰۰ لطفاً درباره یکسان‌سازی قوانین ارتقای تحصیلی فرزندان جانبازان در سپاه فکری بکنید.

۳۵۸۲/۰۹۱۰۰۰۰ خواهشاً درباره وضعیت یارانه نقدی به جای کالا برگ در اتکا و قیمت‌های اتکاهای مشارکتی گزارش تهیه کنید. واقعاً نشا نیروهای مسلح این است که برای یک خانواده پنج نفری هر دو ماه یک بار ۱۰۰ هزار تومان واریز شود، آن هم با کالاهایی با قیمت بالا و بدون نظارت!

۹۸۳۶/۰۹۱۰۰۰۰ عزیرت‌های تاریخ صدراسلام، چندین کلیپ بسازید و در فضای مجازی بخش کنید.

صبح صادق: به پایگاه خبری بصیرت بخش چند رسانه‌ای مراجعه کنید. در هفته‌های گذشته با این موضوع کلیپ ساخته شده است.

۳۲۹۸/۰۹۱۰۰۰۰ لطفاً گزارشی از بیمه سرمایه‌گذاری و حتی درمانی تهیه کنید که چطور مسئولان با این بیمه‌ها قرارداد بسته‌اند؟ شرایط تحمیلی بیمه آنقدر زیاد است که بیمه شامل هیچ‌کس نمی‌شود!

صبح صاق: با پیشنهاد مرکز خدمات بنیاد تعاون قرار بر انتشار مطالبی در زمینه آشنایی با بیمه بود که متأسفانه با وجود پیگیری‌ها هنوز پس از گذشت چهار ماه هیچ مطلبی در این باره برای ما ارسال نشده است.

۱۲۲۸/۰۹۱۰۰۰۰ چرا خدمت سربازی در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ در منطقه جنوب جزء سابقه جبهه حساب نمی‌شود؟

۲۹۸۱/۰۹۳۰۰۰۰ در این وضعیت معیشتی به حکمت کمک‌کننده بود که اون هم نبود. قیمت‌ها هم که داره می‌ره بالا.

ارتباط با سردار صفری مشاور فرمانده کل سپاه
تلفن: ۳۵۲۳۲۴۲۲-۳۵۲۳۴۵۰۶

«امیر سرتیپ حاتمی» با بیان اینکه ظرفیت‌ها و توان علمی و فناوریانه زیادی در کشور ایجاد شده است که به صورت بخشی و جزء جزء استفاده می‌شوند، گفت: «تجمع و تمرکز این ظرفیت‌ها می‌تواند آورده‌های بسیار بزرگ و با اهمیتی برای کشور به ارمغان آورد. صنعت دفاعی امروز از توان طراحی محصولات و دستاوردهای بزرگ و سامانه‌ای برخوردار شده است که می‌تواند به عنوان پیشرو و پیشران تجمع و تمرکز داشته‌های فناوریانه کشور عمل کند».

رئیس مرکز استاد و تحقیقات دفاع مقدس در گفت‌وگو با صبح صادق

کمبود پژوهشگر محدودیت اصلی ماست



۸۰۰ صفحه هم برخی گزارش نوشته شده است.

✱ **ما هفتصد عملیات نداشتیم، چرا این تعداد گزارش عملیات وجود دارد؟** درست است. گزارش عملیات که گفته می‌شود، یعنی هر راوی روایت فرمانده‌ای را که با او بوده و عملیات را از منظر یگان همان فرمانده گزارش می‌کند؛ برای مثال وقتی گفته می‌شود والفجر ۸ باید دانست که ۱۷ یگان در این عملیات حضور دارند و چهار قرارگاه، هر یگان یک روایت از عملیات دارد، هر قرارگاه هم یک روایت، در کنار این، قرارگاه خاتم هم است؛ یعنی والفجر ۸ خودش ممکن است به تنهایی ۲۰ تا ۳۰ مجلد از این دفاتر گزارش عملیات‌ها را به خود اختصاص داده باشد. همین نسبت را در کربلای ۴ و ۵، خبیر، بدر و سایر عملیات‌ها می‌توان در نظر گرفت و بر این اساس امروز ۷۰۰ مجلد گزارش در اختیار ماست.

برای نمونه در والفجر ۸ ما دو سه هزار ساعت صوت، ۳۰ تا ۴۰ دفتر راوی و حدود ۳۰ تا ۴۰ گزارش عملیات داریم. در کنار این سایر اسناد و گزارش‌ها هم است که همه اینها می‌شود یک گنجینه ناب از والفجر ۸. به همین نسبت سایر عملیات‌ها هم است. از طرفی بولتن‌هایی هم داریم منتشر می‌شود.

امروز که با شما صحبت می‌کنیم، در مرکز حدود ۳۰ درصد اسناد جمع‌آوری شده درباره جنگ را توانستیم گویا کنیم. در سال گذشته یک کار جهادی را آغاز کرده و مکانی را پیش‌بینی کردیم، با ۶۰ نیرو که توانایی پیاده‌سازی نوار صوتی را داشته باشند. نوارهای زمان جنگ پیاده‌سازی شد و پس از تایپ مقابله صوتی انجام گرفت و الان در مرحله چک و کنترل است که سخت‌ترین و زمان‌برترین مرحله کار به شمار می‌آید.

صوت‌هایی داریم که مثلاً در کشاکش عملیات در اتاق فرماندهی قرارگاه ضبط شده و چند بی‌سیم هم‌زمان فعال است. فرمانده و چند نفر از فرماندهان قرارگاه دارند صحبت می‌کنند و... همه اینها باید در گویاسازی تفکیک و مشخص شود چه کسی این حرف را گفته و منظورش از اشاره به این و آن چیست؛ چون نقشه جلوشان است؛ بنابراین ممکن است از منطقه‌ای اسم نبرده باشند و از ضمایر اشاره استفاده کرده باشند و مواردی مانند این که کار را خیلی سخت می‌کند. گاهی برخی نوارهای یک ساعته از پیاده‌سازی تا مقابله صوتی و اولیاهای یک هفته زمان می‌برد. توجه کنید که با یک گروه ۶۰ نفره چه میزان زمان لازم است که همه این‌ نوارها گویا و تبدیل به متنی شوند که رویش فهرست خورده و تیتراژ شده باشد و صداها هم درست تشخیص داده شده باشند. در زمینه دفتر راوی هم تقریباً دو سوم آنها را با همه مشکلات خاصی که دارند گویا کرده‌ایم.

✱ **شما در اسنادتان فیلم هم دارید؟** اگر باشد بسیار کم است؛ چون در آن زمان امکان ضبط تصویری نبود و شاید احساس نیاز به آن هم نمی‌شد؛ چون هدف ثبت تاریخ بود نه رسانه‌ای کردن کار.



توان بالای طراحی سامانه‌ای

□ **حسین ابراهیمی /** مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

یکی از مراکز تخصصی نگهداری اسناد و پژوهشگری در حوزه دفاع مقدس در سپاه است که کار خود را نه بعد از قبول قطعنامه، بلکه در تداوم فعالیت‌هایی که از سال ۶۰ در حوزه ثبت مسائل دفاع مقدس شروع کرده بود، آغاز کرد. «سردار علی محمد نائینی» که در دوران دفاع مقدس مسئولیت تبلیغات جنگ را به عهده داشت، دو سالی است که مسئولیت این مرکز را بعد از مرحوم سردار حسین اردستانی عهده‌دار شده است و به قول خودش سعی کرده تا با کار جهادگونه کار تدوین و گویاسازی اسناد دفاع مقدس را سریع‌تر پایان دهد؛ اما این همه کار نیست؛ زیرا این مرکز برای تاریخ انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در سی سال بعد از دفاع مقدس هم فعالیت می‌کند. در ادامه بخشی از مصاحبه با ما با سردار نائینی را می‌خوانید.

✱ **در ابتدای سخن بفرمایید در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس چه گنجینه‌ایی از اسناد دارید که در حال کار روی آنها هستید؟**

اتفاقی در دوران دفاع مقدس رخ داد که در مقایسه با سایر جنگ‌های دنیا نادر است. در دفاع مقدس با سازماندهی تعدادی از بچه‌های سپاه و بسیج که بعدها راوی نام گرفتند، تاریخ نگاری جنگ شروع شد؛ تقریباً از شروع سال دوم جنگ (حدود سال ۶۰). اصل روایتگری در متن جنگ تجربه‌ای منحصر به‌در است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور افراد باسواد و باتجربه و آشنا با قواعد رزم در کنار فرماندهان در سطوح مختلف از ۶۰۰ تا ۳۰۰ نفر راوی آموزش‌دیده با یک دستورالعمل مشخص و دستور روشن و به یک سبک و شیوه به ثبت وقایع دفاع مقدس پرداخت. این کار غیر از آن کاری است که در در مجموعه تبلیغات جنگ انجام می‌شد؛ یعنی کار راویان بدون حضور خبرنگاران، تصویربرداران و عکاسان بود. خبرنگاران رویدادهای را برای حوزه عمومی کشور و انعکاس در رسانه‌ها ثبت و ارسال می‌کردند؛ اما راویان در کنار فرماندهان به کار پژوهشی می‌پرداختند؛ حوادث و رویدادها را می‌نوشتند، اسناد مربوط را جمع‌آوری می‌کردند و هرجا هم که خللی بود و لازم بود آن گزارش‌هایی که داشتند تکمیل شود یا خود فرماندهان مصاحبه و آن مصاحبه‌ها را ضبط می‌کردند. از سدهای دیگر جلسات طرح‌ریزی و حدودی عملیات‌ها را هم ضبط می‌کردند. موضوع جمع‌آوری اسناد جنگ و نگارش حوادث و رویدادهای دفاع مقدس با حضور راویان در متن جنگ پدیده بی‌نظیری است که سابقه‌ای در جنگ‌های دنیا ندارد و اگر هم هست تجربه‌های دهه‌های اخیر است که مثلاً آمریکایی‌ها در مورد جنگ سال ۲۰۰۳ عراق چنین کاری را کردند؛ البته نه به گستردگی آن چیزی که در دفاع مقدس روی داده است.

✱ **چه کسی پشت چنین کار بزرگی بود و اندیشه انجام این کار از سوی چه فرد یا افرادی مطرح شد؟**

مسئولیت این کار در آن زمان بر عهده دفتر سیاسی سپاه بود که آقای محمدزاده مسئول آن بود. این دفتر عضو شورای فرماندهی سپاه به شمار می‌آمد. آقای محمدزاده انسانی خلاق و بسیار فعال بود. وی این ایده را از فرمانده سپاه پیگیری کرد و ایده ثبت تاریخ جنگ در دوره مسئولیت ایشان بود. وقتی در اسناد پوش می‌کنیم، می‌بینیم که آقای محمدزاده یکی از اعضای فعال برخی از جلسات قرارگاه خاتم محسوب می‌شود و در جلسات هم صاحب‌نظر است و در طرح‌های عملیاتی نیز نظر می‌دهد. ایشان عنصری بسیار مؤثر، فعال و تعیین‌کننده بود؛ البته امروز در بستر بیماری هستند و برایشان طلب سلامتی می‌کنیم.

یادداشت

عاشورای انقلاب اسلامی

□ **علیرضا جلالیان /** اگر انقلاب اسلامی ایران را فرازی از سیر قیام حسینی تا ظهور، ذیل نبرد همیشگی جبهه حق و باطل در نظر بگیرم، دفاع مقدس در ذیل برهه انقلاب اسلامی، عاشورایی‌ترین فراز انقلاب محسوب می‌شود. در واقع انقلاب اسلامی در راستای قیام حسینی تعریف می‌شود و همان‌طور که عاشورا نقطه اوج قیام حسینی است، به همان نسبت هم می‌توان برای انقلاب اسلامی یک عاشورا یا نقطه اوج در نظر گرفت که همان دفاع مقدس هشت ساله است. البته قیاس همه وقایع دفاع مقدس هشت ساله با یک صبح تا عصر عاشورای حسینی ممکن نیست؛ اما به همان نسبت که در تاریخ حیات شیعه و امامت، حادثه عاشورا عالی‌ترین نقطه قوت است، در تاریخ انقلاب اسلامی هم دفاع مقدس را می‌توان عالی‌ترین نقطه انقلاب اسلامی دانست. حضرت روح‌الله فرمود: «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است.» بر همین اساس باید گفت اگر دفاع مقدس در سال دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ نمی‌داد و مردم علناً تهدید دشمن را با چشم خود نمی‌دیدند، امروز نمی‌توانستیم از چهل سالگی انقلاب و تغییر نکردن اساس و بنیان‌های انقلاب اسلامی که طراحی حضرت امام خمینی(ره) بود سخن بگوییم. در واقع دفاع مقدس انقلاب را زنده نگه داشت؛ اما چرا؟ به این دلیل که تکرار مکرر عاشورا بود. تحریم و محاصره، پدران و مادرانی که فرزندان خود را فدای اسلام کردند، زنانی که همسران خود را تا میدان جهاد بدرقه کردند، نوجوانانی که جان خود را فدا کردند و قلم و گوه فدای اسلام کردند و... همه و همه تکرار کوچکی از ماجرای بزرگ عاشورا بود. اسلام با محرم و صفر و در واقع با قیام حسینی و در وجه خاص خود با ماجرای عاشورا زنده ماند و انقلاب اسلامی نیز با دفاع مقدس. امروز اگر کسی در کشور دم از خودکفایی، استقلال، امنیت، مدیریت جهادی، صدور انقلاب، ما می‌توانیم و... می‌زند به هر صورت باید عقبه جرئت بیان چنین موضوعی را در دفاع مقدس جست‌وجو کند. مذاقه در پیام حضرت امام به مناسبت اولین سالروز حج خونین ۶۶ و صدور قطعنامه ۵۹۸ این نکته را اثبات می‌کند، ما انقلاب‌مان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم. ما در جنگ، دوستان دشمنان‌مان را شناختیم. ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. ما در جنگ اهد دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد... جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت. تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار شد اما تنها دلیلی که امروز می‌تواند با به پای نیروهای جوان در بازددیده و برنامه‌ها ه‌شتر کند ورزش است؛ چیزی که شاید به دلیل حجم کار در نیروی هوایی و معاونت عملیات کم‌تر به آن می‌پرداخته. ایشان با بیان این نکته در جمع مجموعه علوم پزشکی و بهداری سپاه تاکیدش روی پیشگیری، سلامت و تندرستی را ورزش بود.

نقطه سر خط

سلامت با ورزش

فرمانده کل سپاه در جلسه‌ای تعریف می‌کرد که گاهی در گذشته به دلیل فشار ناشی از کار و مشغله‌های زیاد دچار کمر درد شدید شده بود؛ اما تنها دلیلی که امروز می‌تواند با به پای نیروهای جوان در بازددیده و برنامه‌ها ه‌شتر کند ورزش است؛ چیزی که شاید به دلیل حجم کار در نیروی هوایی و معاونت عملیات کم‌تر به آن می‌پرداخته. ایشان با بیان این نکته در جمع مجموعه علوم پزشکی و بهداری سپاه تاکیدش روی پیشگیری، سلامت و تندرستی را ورزش بود.

